



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۵۸ بهاء : ۲۵ ریال

پیکار را بخوانید و در تکتیر و بخش آن بگویند

تردید نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواستهای ضد امپریالیستی توده‌های مردم است.

مذاکرات کردستان تجربه‌ای تازه در پیش روی خلق کرد

سیرجانه، حبس کردستان فرامحواسد نهاد داریم. هورنریادهای کوی خراسان - جمهوری اسلامی کدر خراسان مذهبی و ملی خلق طبقه در صفحه ۲

خوبین و سیرجانه، خلق کردنوی بحمل کسه است. همه ما با ودهای نهاد آسری را که هشتاد و دو سال در سراسر ایران و در حد آران آرس، سباهای ساداران و همه مردم ایران را به سرکوب

آنچه که امروز در کردستان تحت عنوان مذاکرات "هفت حسن نیت" با رهبران ملی و مذهبی خلق کرده می‌گذرد، برای هفت حاکمه حاصل ما حوثا بندی است که سراسر ما همساناران

اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها و استعفای بازرگان

وقتی اراعمال خائنه بازرگان و نظامی و باجین برمن و "حسن نیتی" یا دمیشود و نیتی با اینهمه سروصدا با زهم عناصری چون جمران جلاد، بهشتی و قنط زاده در راس امور باقی می‌مانند، آقای بازرگان حقیق داردا انتظار بیدل عناصرازسوی "امام" را داشته باشد.

صفحه ۱۷

اعلامه سازمان استقلال زحمتکشان کردستان ایران : مذاکرات هیأت "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت

صفحه ۷

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده‌های آگاه خلق رفرا ندیم کذائی را تحریم می‌کنیم

صفحه ۲۳

صفحه ۱۹

صفحه ۱۵

صفحه ۹

- خلقها در سوگ زلزله خراسان
- نگاهی بر مواد قانون اساسی (۶)
- مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟
- ما و مذاکرات

چشمش گاوگری

تحصن کارگران در وزارت کار

■ کارگران ایرانا (بخش چینی)

حق سود ویژه خود را از حلقوم سرمایه دارها بیرون می‌کشند

■ گزارش تجمع کارگران کارخانه دکتر عبیدی

■ کارکنان کشت و صنعت مغان

به مبارزه خود ادامه می‌دهند

صفحه ۳

توضیحی درباره

بیانیه اخیر

"کنفرانس وحدت"

صفحه ۲۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

مذاکرات کردستان تجربه‌های تازه در پیش روی خلق کرد

افشای سیاستهای جنگ افروزان رژیم در کردستان، نیروهای انقلابی کردستان بدون آنکه از شعارها و خواستههای خودیانشان آسوده بباروش سازگارانه‌ای درقبال هیئت حاکمه در پیش گیرند، می‌بایست با شرکت فعالانه در مذاکرات، تسلیخ خواستههای خلق کرد و افشای آنچه رژیم و نیروهای سازگار رقصیدارند بر سر آن به توافق رسند، نوظه‌های هیئت حاکمه و سیاست سکوت یا تسلیفات دروغین او را خنثی سازند. این حق مسلم خلق کرد است که در جریان جز، به‌جز مذاکراتی که بر سر سرنوشت او انجام میشود، فراگیر و آگاهانه‌ترین مآزنی در خواسته‌های حق طلبانه او را رسوی نماید تا شایسته صورت گیرد. و این وظیفه، نیروهای انقلابی و روزمنده کرد است که با شرکت در مذاکرات، این

نازهم بی‌تفاوتی و بی‌سازگاری را مساند. و زمانی که شکست در کردستان با اوج گیری مبارزات توده‌ای در سرتاسر زمین، رژیم را در بحران جدی سخت قرار داده است، چه راهی جز عقب نشینی باقی میماند؟ آری، در چنین شرایطی است که هیئت حاکمه تن به مذاکرات داده است. رژیم نسلانی می‌کند فعلاً با مذاکره تا حدودی خود را از گردانی که در آن

● شکست مفتضحانه رژیم در کردستان و وابستگی میز مذاکره کشته شده است.

● شرکت در مذاکرات و انعکاس فعالانه جریان‌هایی که در آن میگذرد در میان توده‌های مردم بویژه خلق کرد، خود وسیله‌ای است برای بیان هر چه بهتر خواسته‌های برحق مردم کرد و افشای سیاستهای جنگ افروزان رژیم در کردستان.

● این حق مسلم خلق کرد است که در جریان جز، به‌جز مذاکراتی که بر سر سرنوشت او انجام میشود فراگیر و آگاهانه‌ترین مآزنی در خواسته‌های حق طلبانه او را رسوی نماید تا شایسته صورت گیرد.

امیر شده است نجات دهد تا بخمال خود در زمانی دیگر، بدست وردهای خلق کرد در مبارزه بر علیه رژیم شاه، رژیم کومونیستی پورس برد و آنها را پس گیرد. بنابراین وحشیانه، سردت در روز ۱۶ آبان که منجر به وسارتی این شهروکنتار ۴۰ تن وزخمی شدن دهها نفر از مردم شده است، بمبارانی که درست در زمان مذاکره با مصلح هیئت حسن نیت صورت گرفته است، بخوبی نت رژیم را نشان میدهد. رژیم با این عمل در زمانی که شکست خورده است با سرخ کشیدن قدرت خود و بمباران زمان و کودکان در شهر میخواستند نشان دهند که از موضع قدرت مذاکره میکنند. چنین رژیمی مسلماً اگر قدرت داشته باشد، تن به هیچ مذاکره‌ای نخواهد داد.

یکی دیگر از مفاصدی که رژیم از مذاکرات هیئت با مصلح حسن نیت دنبال میکند، به سازش کشیدن حزب دموکرات و انداختن دلخسی جداگانه با این نیرو در برابر نیروهای انقلابی و روزمندگان مدیق کرد است تا بدین وسیله بتوانند با قبول برخی امتیازات که مورد تا شد حزب دموکرات قرار گیرد، نیروهای انقلابی خلق کرد را خلق مصلح باخته و زندان و مبارزانشان تا رسیدن به خود مختاری واقعی جلو گیرد.

اما آیا آگاهی به مفاصده رژیم از مذاکراتی که در کردستان دنبال میکنند و اطمینان به اینکه چنین راه‌حلهایی هرگز حقوق خلق کرد را براندازد با زخوها دگر داند، به معنی نفسی شرکت در مذاکرات است؟

شرکت در مذاکرات و انعکاس فعالانه جریان‌هایی که در آن می‌گذرد در میان توده‌های مردم بویژه خلق کرد، خود وسیله‌ای است برای بیان هر چه بهتر خواسته‌های برحق مردم کرد و

بقیه از صفحه ۱

کردن و تخمینهای انقلابی و مبارز کرد را فاسد و ضد انقلابی معرفی میکرد و هرگونه مذاکره با این "فدائولاییون" را تحریم می نمود. در گوشه‌ای باقیست، هنوز فریاد آن که توده - های نا آگاه را بر علیه خلق کرد مسلح میکردند و می‌گفتند شما برای جنگ با کتار به کردستان می روید، نه کوش میروید. و هنوز خون صدها تن از روزمندگان کرد، چنانچه که فرمان حلجالی جلاد به خوخه، اعدا سپرده شدند و چه آنها که در سنگرمبارزه جان باختند، جنگ ننده که سخن از مذاکرات وارد حل. مسائل آمیز میسبان آسوده است. پس چه صد که رژیمی که تا بدان حد در سکو "فدائولاییون تحریم طلب" قاطعیت داشت، این چنین با "نفا هم" و "حسن نیت" به حل مسائل آمیز مسئله کردستان نشسته است؟ و پاسخ چیزی نیست جز شکست منتحانه، قدرت حاکم درقبال مسئله کردستان و عجز و ناتوانی وی از فرونشاندن موج برخورد مبارزه، خلق کرد.

هنوز به ما در آنها جم‌جنابتکارانه بر علیه خلق کرد نمی گذرد. ارتجاع در آغا ز اسیان تنها جم، تنها می کوش خود را بکار برد تا بلکه خلق کرد را از دیکر خلقها جدا سازد و اخبار این منطقه را از طریق رسانه‌های انحاری خود وارونه جلوه دهد. اما حقیقت آفتابی است که همیشه در پشت ابر نمی ماند.

هیئت حاکمه در آغا ز جمله به کردستان تمام روزنامه‌های مترقی و انقلابی را توتیف کرد تا بلکه خلقهای دیگر بر آنچه در کردستان می گذرد آگاهی نیابند. هیئت حاکمه در آغا ز جمله به کردستان دفاعی و مرامگرا ز ما نهی کومونیست و انقلابی را بست تا بلکه با اجاد محدودیت برای انقلابیون مانع از افشای گری و دنساع آنان از آلمان خلق کرد گردد.

اما همانطور که دیکتاتور شاه خاثن با تمام سنگینی و خشونت خود نتوانست راه را بر آگاه شدن خلق ببندد. اعمال جدید نیز نتوانست مانع از آگاهی خلقها گردد.

از همان روزهای سخت ما زمانه‌هایی مارکسیست - لنینیست و دیگر ما زمانه‌هایی انقلابی با دفاع از آلمان خلق کرد به افشای جنایات رژیم در کردستان پرداختند و خلقها را بر آنچه در کردستان می گذرد آگاه ساختند. از طرف دیگر بسیاری از با سداران و نط - میان قریب خورده زمانی که بجای "لیبرالها" و "صهیونیسم" در مقابل خود توده‌های خلق کرد را می دیدند و واقعیت را مریی برده و از کردستان با زمی گشتند.

اما آنچه بیشتر از همه هیئت حاکمه و سرتان آنرا رسوا ساخت، مقاومت و دلوری بی پایان خلق کرد بود. در طی کمترین زمانه اخیر سرتا بر کردستان به میدان مقاومت و روز و هر ساعت، مقاومت در کوهستان و نط هرات در شهرها ادا شده است. و هر روز ضرباتی بزرگ چنظ می‌چسبند سیاسی برتن ارتجاع فرو داده شده است. امروز به برکت این دلوری دیگر از فتوحات چمران جلاد خبری نیست، هر چه هست عقب نشینی و شکست

جنبش کارگری



گزارش تجمع کارگران کارخانه دکنر عبیدی

کارفرمای کارخانه اعلام کرده بود که کارگرانیکه نارخ استخدامان در کارخانه از ۱۵ مرداد به بعد مناسبت به حسابداری مراجعه و تسویه حسابکنند و درهفتهگذشته فقط کارگران قدیم را به کارخانه راه می-دادند و کارگران جدید که تعدادشان حدوداً صد نفر میشود هر روز از درکارخانه باز-گردانده میشوند. این اخراج در وضعیتی صورت میگیردکه کارگران کارخانه خواهان از بین رفتن سدیگای فرمانی و اجادئورانی واقعی در کارخانه هستند. کارفرماجنسی تعدادی از کارگران قدیم را که به اس عمل مذکاکرگی کارفرما اعتراض نموده بودندبه کارخانه راه نمیدهد. بدین ترتیب کارگران متمم میگردندصبح روز چهارشنبه هنگیطلوی در کارخانه جمع شوند و متمم فطمی بگیرند حتی سوسله اعلامیه خیرتجمع خودونیزاعمال مذکاکرگی کارفرما را به گوش کارگران در چند کارخانه دیگر مرسابندولی چون این اعلامیه در مطب و سب بخت شده بودتعداد بسیار کمی از کارگران دیگر کارخانهها برای حمایت آمده بودند. کارفرما زاندرام نیز خبر کرده بود. صبح قبل از اینکه تعداد کارگران به اندازه کافی باشد سر و کله یک حزب مسلط به زاندرامی بنامی - نمود و دو تن از سرشناسان آن در نگهبانی کارخانه مستقر میشوند. امروزمثل روزهای قبل فقط کارگران قدیم را راه میدهند. کارگران بحر تعداد معدودی نمیتوانند حمایت کامل کارگران قدیم را جلب کنند و بطورکلی تسلیم کامی دراستمورد صورت نکرده بود. ابتدا چند نفر از کارگران قدیم که امکان ورود به کارخانه را داشتند برای همس کار و همگرایی از وقع داخل کارخانه روانه آنها میشوند. در همین گمر- و دار بکنفر که خود را بنامیده کانسون ثوراها معرفی میگردند میان کارگران آمده از وضعیت آنها پرسش میکند. این نخستین کارگران بی بسویچه که اگر کارفرما ترنیم اثر ندهد کارگر را وانایی تصمیم گیری برای تعص را دارند؟ از طرف حزب جمهوری اسلامی نیز فردی آمده بود که البته اوسه میان کارگران شامد و مستخما به دفتر کارفرما رفت. نماینده کانون ثوراها قرار شد نزد کارفرما برود و سلیح محبتها پیش را برای کارگران بساورد. در اس فاطمه یکی از کارگران کارخانه بح زرس تجربه انتخاب خودشان را در احتضار کارگران گذاشت. اس کارگر پس از شرح اخراج کارگران کارخانه- شان و دستگیری و محرب تن از کارگران - نامه ترسفته- شد

مهمترین سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه دار، سازماندهی و تشکیلات است!

گزارشی از تخریب کارگران در وزارت کار

کارگردگیری ساد و حکمیری مسارات کار-
گران ایران اشاره کرد و در رابطه با سعی از
پیروزیهای بدست آمده گفت:
۱- کارگران سکارترترین در فرمانداری
تخریب کرده اند و خواهان کار برای همه سکاران
هستند. (۱)
۲- کارگران شرکت نفت سوانسده اند،
۳۰ ساعت کار در هفت روز و ساد کارفرمای حدود
مقبولاند.
۳- کارگران بح روس توانسته اند با
قدرت دستگیری ۱۰۰ نفر از زندان شان را که در
رندان اوین بودند آزاد کنند.
۴- کارگران نسکو کاروانسده اند کار-
فرمای مردود را فراری داده و شورای واقعی
خود را تشکیل دهند.
مسارات کارگران حدناغل وجه سکار
ادامه دارد.
دوسان اینتکلات برای ماحلی مهم است
ما ما مشکل بودن سوانسبم خانه کارگر را
نکیرم.
وی درصفت دیگری از سخنانش گفت: "...
مبارزه ما کارگران از مبارزه با امیرالسلیم
جدا نیست دولت فقط خواهان بحویل شاه است
در حالیکه ما خواهان بطم کامل روانه سانی
اقتصادی و حمایتی با امیرالسلیم آمریکا
هستیم. ما مبارزه خود را تا قدرت رسیدن
طبقه کارگر ادامه خواهیم داد.
یکی دیگر از کارگران سب سگروبول رفت
و سدار سخنانی را بح سخنان سچاران و مسارات
خلق کرد. دربار سمرما به داری و امیرالسلیم
صحت کرد و گفت: "رفقا! ما ما با بحرب خودمان را
سوجود آوریم، بحرب طبقه کارگر. البته ونشی
میگویم بحرب طبقه کارگر منظور بحرب سوده
نیست! نه! بحرب سوده واسنه سمرما به-
داران است!"

بندمال بانان سافس مهلت سگرتنه ای که
کارگران و سلیمه های سکاررجهت بسا بحترقس
در مبارزه خواستها سبان برای وزارت کار تمس
کرده بودند، روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۱ ساعت ۹/۵
صبح سدها سزار کارگران و سلیمه های سکار
در خانه کارگر احصاع کرده و سبشر آمدن
نمای سده وزارت کار شد.
در امروز خندس کارگر بحراری کردند و
سبشر سخنان در باره بحرب مشکل بودن
تشکیلات دانستی ... و همجنس کرتنی " جنس
سکاری"، "دمرجه سمد سکاری" و ... بود
سعی از آنها سدرمی میگفتند: سبچاراد را دانی
کارگران در هرفرنده ارجیان ایجاد سبب
انقلابی طبقه کارگر است. آنها بحلال مبارزه
آسان و دیرینه آگاهی در سافسده که سبشر
سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه
دار، تشکیلات و سازماندهی است. اس بود که
اغلب روی آن ناکند دانستند.
مادر سبخر خلاصه سخنان مذکاکرگر را ذکر
می کنیم:
کارگری ضمن سخنان حردگفت: " ما طبقه
کارگر همه سچاران دست بگیرد، کارها در سبب
نمیشود."
کارگری از شرکت متواک سبب سگروبول
رفت و گفت: من در شرکت متواک کار میگردم.
هنه کارگران ۲۰ روز بحس و ۵ روز احتضات
غذا کردیم تا اینکه امور کارخانه را بدست
گرفتیم. روزها کار میگردیم و سدها بسداری
می دادیم. ۶ ماه کارخانه در دست ما سبود.
تولید میگردیم و می فروخیم. تا اینکه سچار-
فرما مبلغ ۳۰۰ هزار تومان بدفرماندار کرج
داد و سگمک آخوندی که آنها بود، براسنسان
برونده سازی کرده که سبچارا ما مد و یک روز
آمدند و همه ما را سرون ریختند و ابحجوری
سبکار شدند. خلاصه به سبچارا میگویم: سبچارا
ما در سگاری است. ما احتضار بدتشکیلات
انقلابی خودمان داریم. اس تشکیلات نغسب
حزب طبقه کارگر است. ما زانسانکه اس
تشکیلات را بسا شده سبم. هم کرسنگی هست هم
بدیختی."

(۱) - آخرس بحرا کمت که بدتن سسال
هستیکی و مسارات کارگران سکارترتوس، به
آنها قول داده اند که سبب سچارا سده
آنها را اسخدام کنند.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

جنبش گارگری

کارگر دیگری منت بسوزون رفت و با طبری کبریده در مورد سرجی از وزیر دولتست با، رکان صحبت کرد و در ضمنی از شما نوشت گفت: "این وزیر که بمثل خودی هم مسردوزم است و هم مرد سیم، بر من را در کردستان دیدیم در سربوت خلق کرد و مسلح کردن فنودالها و برش را سر در "البنابر" هنگام ملاقات با سرزینسکی! اما وزیر خواجه ایشان هم بعد از اینکه بدید که روز کاردار و جاسوس بفسبارت آمریکا در ایران را در وزارت امور خارجه می گهداشند، بازه اعلام می کنند که در وزارت امور خارجه است. "وی سنانا مه داد: "درستان ما در مبارزه خود علیه سرمایه داری چیزی از دست نخواهد داد. هر رنجهای دست و پانمان اگر اس دولت نخواهد بدخواستهای ما بوجه کند، بر برای طبقه کارگر له خواهد شد." در میان سخنرانیها جمعیت شعارها می میداد که معنی از آنها را در زیر ملاحظه می کنید: "به گفته، بازرگان، کارگران، سگسار بر خدا نفلانسند. بازرگان، سگسار، همکار سرزینسکی تو خدا نفلانی" "آمریکا اگر ارجح نشه، کار اگر ایجاد نشه، وعده وعید خون نمی شه"

کارگران با ساعت ۱۱/۲۰ منظر نماینده وزارت کار را دیدند، چون نتواند به پیشنهاد دیگری و بدو اذیت همگی ببارد، وزارت کار حرکت کردند شمارهای آنها چنین بود: "طبقه، آمریکا بی با بود با بدگردد. پیناسهای بی با آمریکا خوشخوار، البعا باید کرده. امریالسیم خوشخوار عامل هر فساد است آمریکا، آمریکا با رنج ما زنده است. کارگر، جند کش دشمن آمریکا لیسیم بر با به در مزدور نوکرا میریالسیم" "آمریکا، ارتجاع عامل هر بیکاری" "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد" "اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار" "زن بیجه، گرسنه صبر سرتی نمی شه" دولت بر با به در حرف سرتی نمی شه" "حقوق بیگاری برای، بیگاران برداخت باید کرد" "افسداد و ایمنه، خود عامل بیکاری است"

ساعت ۱۲/۱۵ جمعیت مقابل درسته وزارت کار رسید و پس از شکستن درود زگری با پانداها که بدیجره تیرا پاندا ران گردید، وارد سالن شد. در فاصله کوتاه سی دیوارهای مرمری سالن با ماژیک پر از شار شد. از جمله: "مرگ بر مبدی، جلاذ خلق عرب، مرگ بر جنران، جلاذ خلق کرد، پیش سوی ایجاد حزب طبقه، کارگر و..."

سینوالان نظامی داد تا کید داشتند که هیچکس در سالن اعلام میایدی بخش نکند نسیا رنجاع امکان و پیناسهای بدست نیاورد. در این موقع نمایندگان کارگران همراة چندتن

ارکارگران برای مذاکره حاضران به طبقه بالا رنشدند و سخنرانی در سالن شروع شد. پس از مدتی سگسار کارگران، با دستمالی بر سوزن بد، نالتن آمد و روجه جمعیت گفت: "این سگس حساب دولت اضلاعی است" از شما او معلوم شد که در سال اعلام را در دو ساعت ۲ منسی بر هجوم عدهای حیاق بدست (یعنی کارگران) به وزارت کار، عدهای فالانز به کارگری که بیرون سالی نود اند، حمله کرده و با چاقو چند نفر را زخمی کرده اند ولی خودشان نیز بدست کک خوردند:

پس از اس و اومه نمایندگان کارگران که نما نماینده، وزارت کار مشغول مذاکره بودند او را از طبقه بالا داخل جمعیت آورده و گفتند: "تو باید با ما باشی، اگر گرسنه ندیم، تو هم مثل ما" سگار نما نماینده، سوزن و بازی رنگ بر سده شای پای پله ها آمد و گفت: "بچه ما همه جیاس تلغی زدم، دفتر سرتی آمدی و... همگی نیست" (روز با همه رانجامی چیزی را اعلامی به دروغ اس عمل کارگران را اگر کوهان سرتی نام گذاشته است!)

در وزارت کار سرتی کارگران زیاد، بدیجست کردند و اغلب بر لروم ایجاد سنگلاز، سدیگا، و ایجادیه های سراسری تا کند داشتند. سرانجام نماینده ای از طرف شورای انقلاب همراة سرتی شیرانی آمدند و با نماینده کان کارگران بد مذاکره نشدند. پس از چند ساعت مذاکره ساعت ۸ نماینده شورای انقلاب به میان جمعیت آمد و گفت: "ما با نماینده های شما توافق رسدیم و تا یک هفته دیگر به شما جواب می دهیم. در این موقع یکی از نمایندگان بدت میکروفون رفت و فغاننامه کارگران را که شامل خواسته های فرعی و اصلی بود قرائت کرد.

- الف- خواسته های فرعی
- ۱- تکدیج خیر ساعت ۲ از درادبو
 - ۲- آزاد کردن کارگری که ساعت ۲ دستگیر شده است.

- ۳- کنار رفتن آفایانی (فالانزها) که مقابل دز وزارت کار اجتماع کرده بودند.
- ب- خواسته های اصلی
- ۱- ایجاد کار برای همه سگاران ایران
- ۲- نابجا دکار، برداخت حق بیمه، سگاری به همه سگاران بدون قید و شرط (چه آنها که در ترحم بیمه دارند و چه آنها که ندارند)
- ۳- دفتر ترحم، بیمه، درمانی برای همه (چه شاغل و چه بیگار)

این نماینده آنکاه اضافه کرد: "ما از ادبو و تلوزیون می خواهیم که خواسته های ما را با آرونه جلوه دهد. در ضمن ما برای گرفتن جواب بیک هفته مهلت می دهیم." برنا همه این روز از سازماندهی خوبی برخوردار بود و سرتی یکی از نمایندگان که رفتار فردی و گاهی محافظه کارانه داشت بقیه رفتار مناسبی داشتند. پیش سوی ایجاد حزب طبقه، کارگر

بقیه از صفحه قبل گزارش تجمع کارگران ...

آنها را متوجه اس موضوع نمود که وارد شدن از راه های با صلاح فاریس (ظفر براحمه به وزارت کار و غيره) دردی را توانسی - کند و کارگران از همان اسناد ای بی بیروی خود منکی باشند. او به مسئله بردن حواس - هایشان به میان کارگران قدم و جلسنت حمایت آنها اشاره کرد. یکی از کارگران سرتی سیکار شیران نیز در جمع بود که صحبت کرد. او گفت هر یک از شما اگر فکر بر بد حساب در دهستان هست بیرون ساورند. الان ما - هاست که ما دوستگیری کرده ایم و جسور دولت کاری به ما نداده و سدار اس هم خواهد داد. معنی از کارگران بشهادت اینجاب نمایندند برای رسیدگی به کارها نشان در بی این مدت را کرده و همجنس خواستار مسئولیت سرگزارانی هر نوع تجمع و افساد است دیگری که لازم است بشدند. یکی از زنان کارگر محبت کرد و گفت اگر ما بشجاهی از اس مذاکره - تمان بگر فتمیم دست به تحس خواهیم زد. در این موقع کارگر دیگری گفت: ما الان حسب تحس نداریم. امام تحس را منع کرده، ما اول باید بشتام راههای فاریس را بی کسبم وقتی بشجاهی بگر فتم اقدام کنیم. اکثر کارگران مخالف میکردند و میگفتند: ما تجربه داریم که از این طریق فاسد شده ای ندارد. یکی از کارگران پیشنهاد کرد برای اینکه مطمئن شویم اینها برای ما کاری نمیکند نماینده حزب جمهوری اسلامی را بخوایم که به میان ما بیاید که این نماینده پیشنهاد مطلق ماند و دنبال آن گرفته شد. قرار شد چند نفر بشنوان نماینده اینجاب شوند و ۶ نفر انتخاب شدند. ۳ نفر و ۳ نفر مرد. در این موقع نماینده کانون به میان کارگران آمد و گفت کار فرما میگوید در منس اخراج همه کارگران نیست و فقط ۸ تن آنها باید بیرون بروند که آن ۸ نفر حرف بزبهای شما هستند، او خود نظر میداد که ما باید در این موقعیت روی خراست ثورا تا کید کنیم من دنبال این کار شمار از نظر فارقا نوسی خواهم گرفت. شمار روز شنه که آمدید آن عده ای را که راه می دهند بیرون داخل کار - خانه تا ببینیم چه میشود ولی همه کارگران اعتراض کردند که با همه و با هیچکدام و کارگران تصمیم گرفتند فغاننامه ای صادر کنند و خواسته های شان را اعلام دارند:

- ۱ - بازگشت کارگران اخراجی بفرکار.
- ۲ - ایجاد شورای واقعی.

پس از آن قرار شد روز شنبه ۱۹/۸/۵۸ کارگران مجدداً اجتماع کنند و اعلامهای نیز نوشتند که نه دیگر کارخانه ها هم برده شود و از حمایت آنها هم برخوردار نشوند. چون در یافته اند که در مقابل اتحاد سرمایه داران و زورگویان اتحاد کارگران ضروری است و بدون اتحاد قادر نخواهند بود بشواسته های برحق خود برسند. ❏

کارکنان کشت و صنعت مغان به مبارزه خود ادامه می دهند

بیشتری میشود. کارگران در مقابل دستبورد مجدد وزیرخشم آمده و تهدید میکنند که به هیچوجه عقب نشینی نکرده و اجازه نخواهند داد که انحلال کشت و صنعت نورت واقعیت بخود بگیرد. آشوبور مدیرعامل کشت و صنعت مغان میگوید که خشم کارگران و کارمندان را فرونشاندو دستور وزیر کشاورزی را نوعی توجیه کند ولی بیشتر بدان دامن میزند و خود را در برابر اعتراضات و افشاگریهای کارگران خلع سلاح و زیون می بیندو در جلسه ای که با شایستگان کارکنان مگذا در تحت فشار آنها قول میدهد که به تهران برود و از انحلال کشت و صنعت مغان جلوگیری کند! اکنون وزیر کشاورزی برکنار شده و فعلا انحلال کشت و صنعت منتفی شده و وزیر جدید کشاورزی هم اقدامی نکرده است. ولی آنچه از هم اکنون مسلم است اینست که با تعویض وزیر، مدیرعامل، رئیس و... وقتی که رژیم حامی سرمایه داران و سرعلیه کارگر - ان است، کاری سنج کارگران و زحمتکشان صورت نمگیرد. و سایرین هر تفسیر و تبدیلی هم صورت گیرد در جوار نظام سرمایه داری انجام میشود و سلام برما - داری در مقابل طبقه کارکرو دیگر زحمتکشان قرار دارد و دشمن آنهاست.

در شماره ۲۹ پیکار گزارش اعصاب کارگران و کارکنان کشت و صنعت مغان را آوردیم. و دیدیم که وزیر کشاورزی دستور داده بود که کشت و صنعت مزبور باید منحل شود و این دستور و تصمیم مورد پشتیبانی آقای آشوبور مدیرعامل کشت و صنعت (که یکی از افراد حزب توده میباشد) در همکاری با کمیته چپا بر علیه افراد پیشرو کشت و صنعت از هیچ کوششی مضایقه نکرده است. قرار گرفت. ولی اعصاب یکپارچه کارکنان کشت و صنعت و مواضع سرخپانان آنها باعث شد که استاندار در مقابل آنها خیرا انحلال کشت و صنعت را انکار کندو زمانیکه کارگر - ان بخشنامه وزیر کشاورزی و مدیرعامل را نشان دادند، بد زبان بازی روی آوردو خود را از کارگران و حامی آنها نامدو به کارگر - ان قول داد که کشت و صنعت مغان منحل نخواهد شد. اما وزیر کشاورزی دوباره دستور انحلال کشت و صنعت را صادر میکند و قول اهدای زمینهای زیادی را به فئودالهای منطقه نیز میدهد. مثلاً به "کونار سگ" که یکی از فئودالهای بزرگ منطقه و از سر - سپردگان رژیم مغفور پهلوی بود و اکنون مدافع جمهوری اسلامی شده است. قول بستن از یکصد هکتار زمین را داده که البته با اعتراض او و روسو گشته و خواجان زمینی

نواستند کارگران دیگر را نیز به مبارزه بکشند (ناکشتک سر بازگیری). ولی این عمل کارگران قسمت "لعبا جینی" فردی بود چرا که فعلاً تصمیم خود را به اعتبار به کارگران دیگر قسمتها اطلاع نداده بودند و کار توضیحی لازم در این مورد نشده بود.

فردای آروز: در ساعت ۱۱ صبح مدیر به کارگران اطلاع میدهد که ساعت ۲ بیایند. ساعت ۲ حدود ۵۰۰ نفر از کارگران جمع میشوند (کارخانه شیفتی است) و منتظر مدیر میمانند. در این موقع جنم کارگران به یک نامه با این مطلب می - افتد که: "تمام قراردادهای راجع به سود ویژه نوشته شده و آماده امضاء است. ولی چون عده ای از ما بیندان نورا بخاطر اینکه کارگران قبولان ندادند از امضای قرار داد امتناع می ورزند. لذا لازم است که منتظر انتخابات جدید نورا بود."

این سبانه جدید حتم کارگران را افزون - تر میکند. و آنها مدیر کارخانه را با شعار "مرگ بر سرمایه دار" به میان خود می آورند. او که وحشت زده بود، به کارگران می گوید: اگر سودی می خواهید باید نورا را از اعتماد دهید. و با اینکه با این انتخابات جدید شود (که در این صورت برداخت سود عقب می افتاد) بدین ترتیب معلوم میشود که "نورای قلابی" و مدیر منتخب "سبنا دستمضمین" شایسته - اند که با استغاده از این موقعیت جابای نورا را محکم کنند. اما کارگران زیر بار این زورگوشی نمی روند و مدیر را تهدید میکنند که مانع از بیرون رفتن تولید خواهد شد. و با این تصمیم با توجه به پایان شیفت به مبارزه آروز خود نریبان می دهند.

شنبه ۸/۱۹ - جلوگیری از خروج تولید: کارگران برای خنثی کردن نقشه مدیر کارخانه وقتاً به آدا مه کار شوران میدهند و نورا نیز که مقاومت بیش از این راه ضرر خود می دید نظر هر آساکا کارگران همراهی نشان می - دهد. کارگران برای تسلیم مدیر کارخانه از بارگیری کامیون ها جلوگیری میکنند... و مبارزه کارگران را لاجرم نمره خود را میدهد. و سرانجام روزیکشنبه ۵۸/۸/۲۰ مدیر کارخانه تسلیم میشود و فعلاً ۶/۵ میلیون تومان سود ویژه را بس ۱۷۰۰ کارگر تقسیم میکند (که بطور متوسط برای هر کارگر حدود ۳۸۰۰ تومان میرسد).

جالب توجه است که مبارزه کارگران برای گرفتن سود ویژه ختم بشود (نما بسنده بسبب دستمضمین در کارخانه) را برانگیزند و کسانی را که برای گرفتن سود، کارگران را تشویق به مبارزه می کردند، طی یک اعلامیه ای که در رسمی قسمتها نصب شده بود، آمریکائی وساواکی قلمداد کرده بود!

بیرونیاد مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران

کارگران ایرانا (بخش چینی) حق سود ویژه خود را از حلقوم سرمایه دارها بیرون می کشند

این مبارزه کارگران قسمت "لعبا جینی" بود که به تدریج دیگر کارگران را نیز بسوی خود جلب میکنند. برای مقابله با حق طلبی کارگران نخست "سگریانی"، رئیس شورای قلابی کارخانه و "عقلی" که به اصطلاح یکی از نمایندگان کارخانه است، کارگران را تهدید میکنند ولی کارگران به تهدیدهای آنها توجهی ننموده و با پیشنهاد آنها که میگفتند ۵ - ۶ نفر نماینده برای مذاکره انتخاب کنند مخالفت میکنند. و دسته جمعی بطرف اطاق مدیر میروند. کارگران که نخست ۲۰ نفر بودند اکنون با راهیما شی در قسمت های مختلف حدود ۴۰۰ نفرند. مدیر کارخانه بس این مقدار عوامفریبی از آنها تا فردا ساعت ۱۱ صبح مهلت میگیرد. و کارگران نیز تا فردا صبر میکنند.

یک نیکند در مورد مبارزه روز ۸/۱۵ / با اینکه در این روز کارگران (قسمت لعبا جینی) راهیما شی در قسمت های مختلف

در این کارخانه حدود ۱۷۰۰ کارگر بطور شیفتی استنمار میشوند. این کارخانه در حال حاضر دولت شده و مدیران از طرف سبنا دستمضمین انتخاب شده است. با اینکه ۱/۵ ماه را آغاز نمیدوم امسال می گذرد. و با اینکه بخش چینی این کارخانه حتی در روزهای تمام هم تعطیلی نداشته است و تولید امسال در سطح سالهای قبل بوده. آری با توجه به اینکه هیچکدام از سبانه های که معمولاً از طرف دولت و سرمایه داران آورده میشود در مورد این کارخانه درست نبوده است، ولی مدیر کارخانه همچنان از دادن سود ویژه که چیزی جز قسمتی از مزد کارگران نیست، (قسمتی از مزد کارگر - فرما پیش خود نگه می دارد و بیکاره به کارگر میدهد) خودداری می کرد و به آنها وعده و وعید میداد.

کارگران برای تسلیم مدیر کارخانه تصمیم به مبارزه می گیرند و ساعت ۱۰ صبح روز ۸/۱۵، مبارزه خود را آغاز میکنند، پیشروان

فان ، مسکن ، آزادی

بافشا و تحریم تظاهرات، اجتماعات و شوراهاى فرمايشى ضد انقلاب را منفرد سازيم

چماق بدستان رژيم شاه در مجلس خبرگان !!

اخيرا اعلاميه‌اى از طرف كسه و بازاريان مريوان انتشار يافته كه در زير قسمتهاى آن را مى‌آوريم:

اخبار روز جاكى از اينست كه جانشين مريوان در مجلس خبرگان منحص شده و جواستند هاى به دولت و شوراى انقلاب داده‌اند. اين افراد كه مركب از فئودالها، سرمايه داران، ربا خواران و سوكران واسه به اينسان مى‌باشند، بدون استثنا، از رديگان و همكاران ساواك بوده و بيشتر ما مورث آنها از طرف ساواك، گردش در روزها و تبليغ به نفع شاه و تحريك كشاورزان، نراى حمله به مخالفين رژيم شاه بوده است.

بعد از قيام، ساواك به اصلاح انقلاب در مريوان اراين جا شهنشكيل مى‌گردد كسه تظاهرات با نرزه هرا نرفرى مردم را در تار يخ ۵۸/۴/۳ به گلوله مى‌بندند و به نعر رابه شهادت رسانده و نده، زبا دى را زخمى مى‌كنند. پس از اين واقعه تعدادى از آنان ن فرارى شده و در شهرهاى مختلف به نوطه عليه خلق كرد مى‌پردازند. از جمله يكى از اين جاشها به نام "فتاح بيك بىدرى" در شهران در تجمع مردمى كه عليه خلق كرد تحريك شده بودند، مى‌گفت: "بايد دولت همه آنها را قتل عام كند...." سرانجام جاشها در زير ساواك، تنگ پاين داران به مريوان برگشته و شروع به اذيت و آزار و دستگيرى افراد مى‌نمايد كه بيا معرفى آنها ۹ نفر بنگانه بدون محاكمه و بده از شكنجه اعدام مى‌شوند.

ما مصرانه از توراى انقلاب وساير مقامات مشول مى‌خواهم اين جاشها را دستگير كرده و جهت محاكمه در برابر مردم مريوان به ما بس بدهند، ندامت كه از آنها حمايت كرده و اجازه دهند عنوان تحم سر خود نهاده و بار سانه‌هاى گروهى شام بگيرند و بعنوان مردم مطمئان مريوان صحبت كنند. ما قسمتهاى از اعلاميه كسه، مريوان را آورديم، آنها در آخرا ز توراى انقلاب و مقامات مشول انتظاراتى دارند اما توده‌ها هر روز آگاه تر و آگاه تر مى‌شوند و درك مى‌كنند كه از اينان معجزه‌اى بر نمى‌آيد كه هيچ، بلكه اينان پشتيان همان فئودالها و مزدور هاى محلى‌اند.

كرد، آموزش را بگان ابا دبا بد كرد و فعاليت سياسى آزادبا بد كرد / محل كژدم آزادبا بد كرد / شوراهاى واقى ايجادبا بد كرد. شروع به راه هميشامى مى‌كنند. جلا د تل زعتر، جلا د خلق ما شد / انزلىسى، كردستان، بيوندان مبارك / زندانى سياسى آزادبا بد كرد

ميكردند كه در راهبما شى ترك كنىد . كارگرى مى‌گفت : در كارگاه نشسته بودم كه كمينه جياها آمدند و گفتند ما دستم شما كوميست و عدالطلب هستم . عوامل حزب توده و سازمان انقلابى نيز مثل تمام تظاهرات فرمايشى ديگر با سر كست در آن، گاه لسى خود را دست به هيئت حاكمه و سربريدگان آن ثابت ميكردند . شعار تظاهرات عبارت بود از :

" بفرمان خمينى ، اعتصاب حرام است " " اعلام بيروز است ، كوميست نابود است " و ... تظاهرات از محوطه كارخانه خارج شده و بعد از برگشتن از ميدان كارگر، در جلو اداره مركزى ، با شمارو محكوم كردن تحم و اعتصاب ، قطعنامه اي كه از طرف كمته سه بيه شده بود ، خوانده شد . در اين قطعنامه هرگونه تحم و اعتصاب محكوم شده و به "عوامسل معدودى" كه اعلاميه هارا صادر كرده بودند گفته شده بود كه كارگان قيم نمى‌خواهند ! (بندهاى ۲ و ۵ قطعنامه) و آنها را رسوا خواهند كرد (بند ۶) . همچنين به عده معدودى كه با ارتكيب در قسمتهاى حسان با عت نارا ، حتى كارگان مشونند اردادده (بند ۷) و خواستار تحفيه شورا از اين عوامل شده بودند (بند ۸) .

همزمان با تظاهرات فرمايشى سر عليه تحم صرحويان و در ساند حمله صبره جوا - ران اسنادارى به آنها . در سر صرحا صبر مرتجع و مذاكره ، در مانس سارى سر تظاهراتى سراه ادا حتم . بها به تظاهرات ارا بفرار بود كسه اعلاميه‌اى از سوى كارگان مانس سارى بخت نده بود مسمى براسكه اگر به جوا سبهاى كارگان رسيدگى نشود ، تحم و اعتصاب خواهد كرد . (اظلاعات ۱۳ آبان) . از منس اعلاميه و جواستهاى آن خبرى در دست نيمت) اكبريو در سير شوراى مانس سارى كه در كارخانجات خود را نماينده كارگان ادر - سايجان ! و گاهى نماينده اسنادارو ... معرفى مى‌كند و از جبهه‌هاى مذاكره و مرتجع ميماند . روز سه شنبه ۵۸/۸/۸ ساعت ۱۰ نوبت بلندگو كارگان را دعوت برا هميشامى در محوطه كارخانه مى‌كند . اكثر كارگان به اين راهبما شى سمير و دولتى نوبت افراد كمته كارخانه تهديد شده و مذاقلاسى خوانده مى - شوند كه بنا جارعده‌اى از آنها در كار صف راه مى‌افتند . چنن فرم نوبت مانس در محوطه كارخانه مى‌گشتند و زكارگانى كه در محوطه بودند مى‌خواستند كه در راهبما شى شركت كنند . كمته جياها و فالانزها بهر جاي كارخانه سر مى‌كشيدند و كارگان را تهديد

بقيه از صفحه ۱۱

تبريز

چند گزارش مفصل از تظاهرات و تحم دانش آموزان "حوربه بازگان" (كورش كبر سر سابق) بدست ما رسیده است كه توجه شما را به خلاصه‌اى از آنها جلب نمى‌كنيم :

دانش آموزان دبیرستان حوربه بازگان از روز ۷ آبان تحم اختيار مى‌كنند . برخى از خواسته‌هاى آنان بدینقرار است :

آزادى صرحويان زندانى - برقرارى كنكور اختصاصى براى رشته اقتصاد ...

در روز شنبه ۱۲ آبان پس از اينكه رنگ كلاس مى‌خورد و دانش آموزان از رفتن به كلاس خوددارى مى‌كنند مدير از آنها مى‌خواهد كه بگلاس بروند و در هر كلاس يك نماينده انتخاب كرده و براى مذاكره با او بفرستند كه با مخالفت دانش آموزان روبرو مى‌شود . آنها مى‌گويند نمايندگان ما مدتهاست كه انتخاب شده‌اند و اگر مى‌خواهد مذاكره كنيد با بديا آنها مذاكره نمايد ،ولى مدير مى‌گويد آن نمايندگان مورد قبول ما نيستند

دانش آموزان اعتراض مى‌كنند و در حياط مدرسه ميمانند و پس از خواندن مقاله‌اى توسط يكى از آنها در باره وضعيت هنرجوها خواستار آزادى زندانيان هنرجو ميشوند و سپس با شعار از مملها مى‌خواهند كه با آنها همراهى كنند . در پاسخ به ننداي دانش آموزان كليبه دبيرا (بجز دونفر) از كلاسها خارج ميشوند . دانش آموزان به دادن شعار هاى چون هنرجوى زندانى آزاد بايد گردد ، فرهنگ استعمارى نابود بايد گردد ، هنرجو در بند است ، ساواكى آزاد است ، مى‌پردازند ...

رشت

گزارش راهبما شى دانش آموزان يكشنبه ۱۳ آبان ۵۸ (شنبه سرخ) رشت هزاران تن از دانش آموزان مدارس مختلف رشت در ساعت ۹ صبح در محمل اداره آموزش و پرورش شهرستان رشت گردم آمده و با شعارهاى : اتحاد ، اتحاد ، محمطين اتحاد / مدارس خصوصى بنگاه سرمايه دار ، نابودبايد

برقرار باد خود مختارى خلقها در چهارچوب ايرانى مستقل و دمكراتيك

اخباری از: کردستان قهرمان

مذاکرات هیات "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت!

● سردشت در اثر بمباران به ویرانه‌ای تبدیل شده ● ارتش ضد خلقی، حزب دمکرات و مردم قهرمان سردشت

در حالیکه رادبوی دولتی خسر می‌داد که داربوش فروهر با نماندنگان خلق کرد در محیط "دوستانه‌ای" سرگرم مذاکره است، هنگامیکه ابوشریف فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران در باره کردستان به دروغ اعلام می‌داشت که: "وضع روسیه سوداست و اصولاً سپاه پاسداران مدت یک ماه و نیم است که عملیات خود را در آن منطقه متوقف کرده است و پس از توقف عملیات سپاه، ارتش نیز عملیات نظامی خود را متوقف کرده و مذاکرات سیاسی ادامه دارد"

(اطلاعات یکشنبه ۲۰ آبانماه) ارتش ضد خلقی و پاسداران با سلاحهای آمریکائی، آرژانتین و هوا مشغول کشتار مردم قهرمان سردشت بودند و با بمباران سردشت و دهات اطراف آن، شهر را به ویرانه‌ای تبدیل کردند تا به این ترتیب خلق قهرمان کرد را محبور به تسلیم نمایند!

گزارش زیر که از خبرنامه شماره ۲، ۳، ۱، ۲، ۱، (کومه‌نامه) نقل شده، گوشه‌هایی از عملکردها و حقایق ارتش ضد خلقی را در سردشت نشان می‌دهد و در عین حال حزب دمکرات را که این ارتش ضد خلقی را برادرمی‌خواند و می‌کوشد که با کماباستی از پشت حاکمه جنبش خلق کرد را به سازش بکشد، با اراشه نمودهای متخاصمان می‌کند:

مذاکرات هیئت "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت!؟

حکومت جمهوری اسلامی درست هنگامیکه دم از حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان می‌زند و درست هنگامیکه سفارت آمریکا را اشغال می‌نماید به وحشیانه‌ترین شکل ممکن به کشتار مردم سردشت دست می‌زند.

سفارت آمریکا را اشغال می‌کند و در همان حال فانتومیهای جمهوری اسلامی در تمام ساعات شب و روز حتی در ساعات بعد از نصف شب دهات کردستان را بمباران می‌کنند.

رادبوی و تلویزیون جمهوری اسلامی جزئیات هر حرکت دانشجویان را در سفارت آمریکا منعکس می‌کند، اما صدای بمباران را نمی‌شنود.

نمونه این کشتار و اس قتل عام و سبع مردم سردشت را فقط می‌توان در میمانان های ارتش اشغالگر آمریکا در مورد شهرهای وستنام دید.

بدینال شکستهای مفتضحانه‌ای که نیروهای ارتش و پاسداران از پیشموران کردستان خوردند، دولت جمهوری اسلامی خواست که چهره جنگ طلب خود را بپوشاند. این بود که با صحبت از مذاکره و فرستادن هیئتی که معلوم نیست

با چه کسی طرف گفتگو بوده است. بدون رعایت کردن هیچکدام از شرایط مقدماتی پیشنهاد شده از طرف شیخ عزالدین حسینی (که متورّد قبول سازمان ماهم بوده است)، خواستند موجب تفرقه بین صفوف مردم و پیشموران شده و شکست های خود را جبران کنند. اما در همین حال با نشان دادن چهره گریه و فغانیستی خود با بمباران بیانه و سپس سردشت، اینبار رهبر شمرشان به سنگ خورد. آنها از پیشموران ضربه های سخت دیگری خوردند ولی برای حسران شکست، با جوانمردانه به قتل عام زن و کودک و بیسر و جوان مردم سردشت دست زدند و شهر سردشت را سده از خانه، به ویرانه‌ای تبدیل نمودند.

کمیته مرکزی حزب دمکرات در این هنگام بحای اینکه بین اهرمان دیگری در فکر وحدت عمل با سایر نیروهای سیاسی موجود در کردستان بماند تا هئیت حاکمه از اختلافات درون جنبش سوءاستفاده نکند، بیشتر درسی این بود که با استفاده از موقعیت و تراشکظ شهر، به تنهایی بنای میز مذاکره برود. و بحای اینکه هدف دولت را از مذاکره برای مردم روشن سازد و ماهیت رژیم و عوام فریبی های آنرا افشا نماید، به "حسن نیت" رژیم امید بسته و به شعار "ارتش برادرانست" روی آورد اما در وسط انحرافی حزب یعنی اولاً کوشش برای قبولاندن خود به دولت بعنوان تنها نیروی سیاسی و ثانیاً با وارد کردن حسن نیت دولت و عدم موضعگیری در مقابل آن نتایج غلط و مضر خود را در واقع، سردشت بنا آورد و خود حزب نیز به هدف مورد نظرش نرسد.

شب ۵۸/۸/۱۱ پیشمورگهای کومه‌له گنه برای انجام عملیاتی به شهر آمده بودند، برای حمله به شهر با نیت سردشت - که آنها و پاسداران در آن مستقر بوده و حزب دمکرات می‌خواست به تنهایی به این کار دست نزنند - به مسئولین حزب پیشموراندهمکاری دادند اما آنها به نیروی از همان سیاستی که به آن اشاره کردیم از همکاری امتناع ورزیدند. پیشمورگهای ما بعد از عملیات و زدن چند هزاره به پادگان، شهر را ترک کردند. صبح زود خبر رسید که حزب دمکرات شهر با نیت را تصرف کرده سپس اس خبر به آن اضافه گشت که جنگ خوشیستی بین ارتش و پاسداران از یکطرف و مردم شهر و پیشمورگها از طرف دیگر، درگیر شده. هوا داران سازمان ما

و حتی مردم شهر از پیشمورگهای کومه‌له‌خراستند که برای دفاع از مردم، وارد شهر شوند. به اسن دلیل یعنی برای کمک به مردم در مقابل ارتش و پاسداران، عده کمی از پیشموران ما وارد شهر شدند (هرچند که دست زدن به یک نفر در جنبه‌ای با پادگان را از داخل شهر اشتباه میدانستند. زیرا چنین تیردی بجای پیروزی سریع و کاملاً بردشمن، سبب می‌شد نیروهای پاسدار و ارتش، که در جنگ فرقی بین پیشمورگها و مردم عادی قائل نمی‌توانند، به قتل عام مردم دست بزنند) هنگام ورود، پیشموران ما با شهری که در یکیا رچه آتش شده بود روبرو گشتند. پادگان از هر طرف با توپ و خمپاره و اسواغ سلاحهای آمریکائی و بیرانگر، خانه‌های مسکونی و محلات بیرسخت و آمد شهر را مورد حمله و وحشیانه قرار داده بود. ترس نیروهای داخل پادگان و نقاط استراتژیک اطراف شهر از حمله، پیشمورگها برای جنگ و وحشتگری آنها افزوده بود. این ترس بعدی رسیده بود که هر کدام از ازار نشیان و پاسداران، دیگری را متهم می‌کرد و هر کس در مگر تسلیم خود نبود، با نگاه زبط نزدیک شهر سردشت خود را تسلیم پیشموران سازمان رحمتکشان و حزب دمکرات نمود. در این حال پادگان پیشموران آتش بسس کرد.

حزب دمکرات نمی‌توانست ابتدا کاری کند که در شهر با پادگان وارد جنگ خود، اما در این حال که جنگ به هر صورت شروع شده و ارتش و پاسداران، مردم را قتل عام میکردند و در ضمن روحیه خود را نیز باخته بودند، قبول آتش بس از طرف پیشمورگها اشتباه بود. و حزب دمکرات نیز می‌توانست به پیشنهاد آتش بس بدهد و به آتش بس را قبول نماید. اما مسئولین حزب در اینجا سر دومین اشتباه خود را ترتیب دادند و آتش بس را قبول کردند.

ارتش و پاسداران با استفاده از این فرصت، از خارج پادگان کمک دریافت کرده، روحیه‌شان نیز تقویت شد و گفته، حمله وحشیانه و فغانیستی خود را به مناطق مسکونی و رزها و بچه ها و کودکان شیرخوار و مردم بیدفاع تنظیم نمودند. ما به نیروهای خود دستور دادیم که به پیشنهاد آتش بس رد بماند و حمله‌گرا به دشمن توجیهی ننموده و سروی دشمن آتش نکند. در چند نقطه که پیشمورگهای ما دست نگا زدند مسئولین حزبی مانع مانده و حتی تهدید کردند که بروی ما آتش می‌کشد!

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

در این شرایط ما دیدیم بجای اینکه دشمن مشترک را بکوشم ممکنست در دام جنگ برادر کشی بیفتیم که هیچوجه خواستار آن نیستیم، تصمیم گرفتیم که فعلا از ضرب زدن به دشمن صرف نظر نماییم.

از صبح روز ۵۸/۸/۱۲ تا حدود ساعت ۲ بعد از ظهر نیروهای ارتش و پاسدار، شهر را زیر آتش ویرانگر و مردم کش خود گرفته و با توب و خمپاره دهها نفر از مردم را به قتل رسانده و خانه‌های بسیاری را بر سر خاک کنین آن خراب کردند. حال توجه اینست که با اینکه در این حال بیشتر گنجان به سوجو به نظر پادگان شیر - اندازی نمی‌کردند اما چون سنگرهای ارتش، مستقر سربلندنیها "گرده سور" - دجا رکمود مواد غذایی شده بود، پادگان بیشتر مانده تقاضای رعایت! آتش بس نمود و فرماتده، فاشیست پادگان حمله گراندها می‌کرد که ارتش دخالت نمی‌کند و این پاسداران انقلاب اسلامی! هستند که مردم را قتل عام می‌نمایند. در حالیکه همه می‌دانستند هیچکس غیر از ارتشیان، چنین دقیق و وحشانه خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابانها را نشانه گیری نمی‌کند. این ادعای فرماتده تنها بدین خاطر بود که نتواند مواد غذایی لازم را به نیروهای خود رسانده و بگوید مردم آنها را برای کشتار مردم بی دفاع فریب نمایند! حزب سومین اشناء خود را مرتکب شده و با بدامناح آتش بس و فرستادن مواد غذایی برای "گرده سور" موافقت نمود.

مردم با تمام وجود مخالفان گسار بودند و استدلال می‌کردند ما نباید به دشمنی رحم کنیم که این چنین وحشیانه، به هیچکس حتی پیر مردان و زنان و کودکان نیز رحم نمی‌کند. این مخالفت بالا می‌گرفت و در حال تبدیل شدن به یک قیام بود ولی مسئولین حزبی به مردم قول دادند که این دستور حزب است و آتش بس باید رعایت شود. ما نیز با این کار مخالفت کردیم اما مانند دمه، قبل بخاطر جلوگیری از برخورد در مخالفت خود با فشاری ننمودیم. در نتیجه چند ما شین مواد غذایی راه افتاد و در اختیار دشمن قرار گرفت. شب ۵۸/۸/۱۲ پادگان از آزارش موجود برای تقویت خود استفاده نمود. همان شب ما تصمیم گرفتیم - به خاطر غلط بودن شیوه جنگ از یک طرف و اصرار حزب در آتش بس از طرف دیگر - تعداد کمی از نیروهای خود را در شهر نگهداشته و نیروهای ذخیره و کمکی را در خارج شهر بحال آماده باش در آوریم. نگهداشتن عده‌ای از نیروها - بمان بدین خاطر بود که مردم نمی‌خواستند بیشتر گنجان کوچه‌ها و مسئولین آنها از شهر خارج شوند و وجود نیروی برای جلوگیری از هجوم ارتشیان و پاسداران به مردم بی دفاع لازم بود. فعلا به مسئولین حزب توصیه کردیم که فریب آتش بس را نخورند ولی آنها به توصیه ما توجهی ننمودند.

صبح ۵۸/۸/۱۳ افراد پادگان شروع به کوبیدن شهر نموده و تا ظهر بوسیله توپ و خمپاره و انواع سلاحهای سنگین دهها نفر از اهالی سردشت، زنان و کودکان شیرخوار را کشتند و حتی سگها و گربه‌ها را نیز به هلاکت

رسانده و روی هتلیر و محمدرضا شاه را شنید کردند و ثابت نمودند که ناگردان خلف این جلدان هستند.

ساعت ۱ بعد از ظهر در بلندکوها اعلام کردند که "مردم! به پادگان و مسجد بروید! می‌خواهم شهر را از زمین و هوا به آتش بکنم!" هر چند عده‌ای قریب جانشانی نظیر حاج علیپور را خورده و دستور بلندگو را اجرا کردند اما اکثریت مردم مبارز سردشت از شهر بیرون رفته و عده‌ای به زیر زمینها پناهن شدند.

ساعت ۳ بعد از ظهر چهار هلی کوبتر و دو فان تووم هماهنگ با پادگان تا غرب آفتاب شهر را بمباران و به آتش کشیدند.

شهر به ویرانه‌های تبدیل شد. مدارس را بمباران کردند. خانه‌ها را به توب بستند. مردم را زیر گنجان رملسل گرفتند. صدای شون وزاری کودکان و بیستمان و مادران داغ دیده سرخدهای قطعه قطعه شده و له گشته، بدران و سرادران و فرزندانشان در فضای پرا ز آتش و دود و وحشت شهر می‌پیچید و خونهای ختم و غربت از این دژ خیمان خون آثام را به آتشی تبدیل می‌کرد که کاج ظلم و خونخواری حکام مدخلی را در آینده‌ای نه چندان دور سوزاند و برای همیشه نابود کند.

عده‌ای از بیشتر گنجان حزب دمکرات دستور فرماندهان نشان از شهر بیرون رفتند. البته تا آن وقت چند نفر از آن شهید شده بودند. بیشتر گنجان ما زمان زحمت گنجان بعد از اینکه دیدند شهر تقریباً از سرک خالی شده تصمیم گرفتند با تمام نیروی که در شهر داشتند ضربه خود را به پادگان وارد کرده و سپس بخاطر جلوگیری از قتل عام بیشتر مردم و حمله مجدد به دشمن اشغالگر شهر را ترک کرده و عقب نشینی کنند. در این حال دسته‌ای از بیشتر گنجان حزب دمکرات نیز با ما همکاری کرده و پادگان را سا آر - پی - جی و بازو کارس آتش گرفته و تلفات

و خسارات سنگینی بدشمن وارد کردیم و بدون هیچ تلفاتی شهر را به آرامی زیر گسار و بمباران پادگان و فان تووم هاترک کردیم.

این بود شرح مختصر واقعه، خوشبخت سردشت که نیروهای دشمن رژیم حدود ۴۰ نفر را کشته و دهها نفر را زخمی کردند و پهری و بران و مردمی آواره از ویران فاشستی خود بیادگار گذاشتند.

این است ارتش برادر! ارتش که دارد سیاست سرزمین سوخته را در مورد کردستان به اجرا می‌گذارد و می‌خواهد با بمباران و تیر - اندازی شانه روزی به شهرها، قنات و دهات، مردم و انقلابیون را به زانو در آورد. حسی وقتی که مردم آواره، سردشت! از شهر خارج می‌شدند و به دهات اطراف شهر و باغ و سینه‌ها پناه می‌بردند، علاوه بر اینکه آرزوی فان تووم و هلی کوبتر مردم را بمباران می‌کرد، شب همان روز تا صبح ما فان تووم و توب دهها طرف را می‌کوبید. هنگامیکه تعداد کمی از نیروهای اشغالگر بدست بیشتر گنجان کشته می‌شوند، رژیم ضد خلقی با توب و کمران از حمله "ناجوانمردانه" بیشتر گنجان دم می‌زند. اما هنگامیکه خود سا استفاده از تمام سلاحهای آمریکائی و اسلحه قوا به کشتار ریسر مردان، زنان و کودکان - شیر - خوار دست می‌زنند و همه جا را بمباران کرده و هر هگدزی را به آتش هلی کوبتر می‌سند، حسی کوچکترین خیری از این جنایات بشمار خود را به اطلاع مردم نمی‌رساند. هنگام بمباران و هدیه آتش و خون به مردم، زمانی که دارا سوش فروهر در پادگان سردشت بود، سترنامه از رادیوی دولتی خیر می‌دهد که دارا سوش پروهرها نمایندگان مردم سردشت (لاندبا حاشها!) در محیط دوستانه‌ای سرگرم مذاکره است. در حالیکه خود آقای دارا سوش فروهر می‌داند در آن حال کسی در شهر نمانده بود تا با ایشان به ضیافت نام مشغول شود. ■

سردشت

در مذاکراتی که در ۵۸/۷/۲۶ بین هیئت نمایندگی خلق کرد به راست شیخ عزالدین حسینی و هیئت نمایندگی دولت به راست دارا سوش فروهر بعمل آمد، شیخ عزالدین حسینی و سایر اعضای هیئت نمایندگی خلق کرد اعلام داشتند که در هر مذاکره، اساسی با منی نمایندگان نیروها و حزب سیاسی کردستان شرکت داشته باشند.

برخی از خواسته‌های حداقل جهت ایجاد فضای مساعد برای مذاکرات اساسی که از طرف هیئت نمایندگی خلق کرد مطرح شده به این صورت بود:

۱- آزادیهای دمکراتیک در سایر ایالت‌ها و اجزاب و مطبوعات رفع توقیف گردد.

۲- سپاه پاسداران در کردستان منحل و به محلهای خود فراخوانده شوند.

۳- در هر مذاکره‌ای قطعنامه‌های آماده - ای مهیاد و سنجند ملاک قرار گیرد.

(با استفاده از اطلاعیه مورخ ۵۸/۷/۲۲ س.ا. ز. گ. ا)



ما و مذاکرات

موضع سازمان انقلابی زحمتکشان

کردستان ایران (گومه‌له)

درباره مذاکرات

موضع ما در برابر مذاکرات

ما با آگاهی بر اینکه رژیم از موضع ضعف حاضر به گفتگو با خلق کرده و با آگاهی بر اینکه از موضع ریاکارانه در جستجوی راه‌هایی برای تفرقه اندازی و کشیدن ماسک طمع طلسمی بر روی چهره، فاشیستی خودش می‌سازد، برای خنثی کردن نقشه‌های وی در شرایط مشخص کنونی حاضر به مذاکره هستیم. ما نه تنها حاضر به مذاکره هستیم، بلکه بعنوان یک سازمان سیاسی انقلابی که دارای سابقه مبارزه ده ساله بر علیه رژیم پهلوی بود و در طول جنبش انقلابی و ضد استبدادی و در جریان قیام قزاقی لانه شرکست کرده ایم، بعنوان یک سازمان انقلابی که دارای پایگاه توده‌ای بوده و به منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان یعنی محکمت‌ترین ستون انقلاب خدمت می‌کنیم، بعنوان یک سازمان انقلابی که تا بحال سرخنا نه و بدون سازشکاری در راه دست آوردن حق تعیین سرنوشت خلق کرد مبارزه کرده ایم و با آخرین عنوان یکی از نیروهای مسلح کردستان که فاقد پایه و فوندانسه در جنبش مقاومت مللانه، خلق کرد شرکست داریم، حق و طاعت آبرو داریم که به همه طرفها اعلام کنیم هر مذاکره با توافقی احتمالی که در آن نمایندگان ما یعنی سازمان زحمتکشان (گومه‌له) شرکت نداشته باشند، از لحاظ عملی بی اعتبار خواهد بود.

اینکه رژیم ایران در تن در دادن به گفتگو، علاوه بر ضعف‌دهی‌های ریاکارانه‌ای را هم تعقیب می‌کند، به این معنی نیست که نمایندگان جنبش انقلابی خلق کرد از جمله "گومه‌له" در مذاکرات شرکت نکنند و آنرا تحریم نما یند. جنبش انقلابی هم نتواند دوباره به هدف‌های خاص خود را در مذاکرات دنبال کند. همواره طبیعی است که دو طرف مذاکره هدف‌های جداگانه و متضادی را در مذاکره تعقیب کنند. این شرایط عینی مبارزه، موضع اصولی طرف انقلابی و سیاست عاقلانه آن است که نتواند نتیجه مذاکرات را در صورت (توافق یا عدم توافق) بپذیرد و بی‌شمار کند.

بطور کلی با تدکفات از وقتی که مبارزه ما تا مرحله شرکت در جنبش مللانه، خلق ارتفاع یافته، از وقتی که سروکار ما دیگر نه فقط با پیشروان جنبش بلکه همچنین با توده‌های وسیع و با افکار عمومی است، با لطمه‌های علاوه بر زمینه‌های قبلی مبارزه، با یستی در جنبه "دیپلوما تیک" همه مبارزه به برد زیم و متا رزه در جنبه "دیپلوما تیک" را بوسیله‌ای برای پیشبرد جنبش انقلابی و پیشبرد هدف‌های سیاسی خود تبدیل کنیم. جنگ یکی از اشکال

اخیراً سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گومه‌له)، بیانه‌های انتشار داده و موضع خود را در قبال مذاکرات سیاسی در کردستان روشن کرده است. ما ضمن پشتیبانی از موضع این سازمان در قبال مذاکرات جاری، در زیر قسمت عمده این بیانه پس از اشاره به کارهای رژیم در بخش‌هایی در اطراف مذاکرات و بغل دروغ برداری‌های فراوان از قول رهبران ملی و مذهبی خلق کرد مبنی بر آتش بس دادن آنها که از ادیب و تلو بیرون انحصاری خود منتشر می‌شود آمده است که "چرا رژیم حاضر به مذاکره شده است؟". "راستی چرا رژیمی که دستورهای وسیع عمومی را بر علیه کردستان صادر کرد و افکار عمومی را بر علیه خلق کرد شوراند، رژیمی که ارتش، نیروی هوایی، سپاه پاسداران و داد و ظلمان مسلح را از سر تا سر ایران بجان خلق ستم دیده کرده و خت و دهها تن از بهترین فرزندان مبارزان خلق را به دست خلیفای دیوانه، این خلد عیاسوش بدون محاکمه دست‌خوشه‌های آتش سیرد، رژیمی که با هواپیماها و هلیکوپترهای جنگی و توپ و تانک بر زمین کردستان را کوبید و هنوز هم هر روز این کار را تکرار می‌کند، به سمت مذاکره متمایل شده است؟ بنظر ما ضعف و ناتوانی رژیم، علت اصلی این تن در دادن به مذاکره است. بطور کلی هر رژیم ضد خلقی هنگامیکه تشخیص میدهد نمیتواند جنبش انقلابی را سرکوب کند، به مذاکره روی می‌آورد."

بیانیه‌هایی به بصران سیاسی - اقتصادی و شکستی که رژیم از نظر نظامی در کردستان متحمل شده است اشاره می‌کند و در این رابطه به اوج - گیری جنبش توده‌ها و از دست رفتن ابتکار عمل رژیم در کردستان و افتادن به موضع دفاعی سخن می‌گوید و سپس ادامه میدهد: "... همه این مشکلات رژیم را ناچار کرده که از موضع ضعف حاضر به مذاکره شود. اما آیا این تمایل ما دقانه است؟

بنظر ما رژیم در عین نفع‌داری از رای موضوع ریاکارانه است و با به میان کشیدن مذاکره و آتشبار این شیوه، توام با دروغ‌پردازی می‌خواهد:

- ۱ - با تبلیغ مذاکره چهره جنگ طلب و فاشیستی خود را بیوژانند.
- ۲ - با تبلیغ مذاکره و در عین حال دروغ‌پردازی در اطراف آن، خلق‌های ایران و نیروهای انقلابی را که چشم امید به جنبش کردستان دوخته اند نسبت به نیروهای انقلابی کردستان بدبین کرده و بین آنها تفرقه بیندازد.
- ۳ - با تبلیغ مذاکره و در عین حال دروغ‌پردازی در مورد برخی نیروهای انقلابی خلق کرد، خلق را دچار بدبینی کرده و در مصروف آن تفرقه اندازی کند.
- ۴ - عناصر و نیروهای سازشکار و تسلیم طلب را با دادن وعده امتیازهای جزئی بطرف خود بیکتا نمودن و مخالفان خود را تجزیه کند.

سیاست سازمان ما از هنگامیکه وارد نبرد مسلحانه شده با یستی آنرا می‌توان به یک "سیاست موزون" آن برای پیشبرد هدف‌های سیاسی استفاده کند. دیپلوما سی هم یکی از اشکال سیاسی است و مذاکره یکی از اشکال سیاسی دیپلوما سی است که سازمان زحمتکشان (گومه‌له) با یستی سیاست موزون که بطور آنرا برای بالا بردن آگاهی خلق و افشای ماهیت دشمن، برای انبساط حقانیت خود و برای آموزش سیاسی مبارزان مورد استفاده قرار دهد.

ما با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات در شرایط فعلی، هدف‌های زیر را دنبال می‌کنیم:

- ۱ - رژیم میخواهد در نزد افکار عمومی ما را به جنگ افروزی و برادر کشی متهم کند. ما بخوبی میدانیم که مسبب واقعی این جنگ رژیم است ولی از آنجا که هنوز بخش‌های وسیعی از توده‌ها در ایران در مورد نیات و خواسته‌های ما تردید دارند و هنوز تحت تاثیر تبلیغات رژیم قرار می‌گیرند، ما موظفیم با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات آنها مدروغین جنگ - طلسمی را که ما وارد می‌کنیم و با بیان خواسته‌هایمان از "تربسین مذاکرات" حقانیت و عادلانه بودن آنها را به خلق‌های ایران نشان دهیم. به این وسیله ما به توده‌ها امکان می‌دهیم که در تجربه خودشان ماهیت واقعی رژیم و دروغین بودن حسن نیت وی را درک کنند و به این ترتیب نیروهای سنا بینی را که هنوز تردید دارند به سمت خود بیکتا کنیم.
- ۲ - همانطور که میدانیم رژیم عمده در مورد نیروهای انقلابی خلق کرد و بخصوص سازمان زحمتکشان (گومه‌له) سکوت کرده است. ما با شرکت در مذاکرات این توطئه سکوت را خنثی می‌کنیم. رژیم میخواهد سازمان زحمتکشان (گومه‌له) را جدا کرده و به تنهایی وانفرا بیکتا کند. ما با شرکت در مبارزه همراهِ دیگر نیروهای کردستان این توطئه را خنثی می‌کنیم و مانع از موفقیت ماورهای دورویانه وی می‌شویم.
- ۳ - ما با شرکت در مذاکره و کثا نندن جریان آن به میان مردم، توده‌ها را به بحث‌های فعال و جنبش‌جویی سیاسی می‌کشانیم. تجربه مشخص مذاکرات کردستان نشان داده است که هر جایی مذاکرات میان توده‌های مردم برده شده در همانجا نیز با استقبال و پشتیبانی مردم روبرو شده و آنها را به فعالیت کثا ننده است.

در تمام مذاکراتی که سازمان ما شرکت فعال داشته است (مذاکرات میان ما با داداروشن فروهر که منجر به دستور قطعنامه ۸ ماده‌ای ما - ما شد، مذاکرات نوروز خوشین سندج - آست‌الله‌طالانی که قطعنامه ۸ ماده‌ای سندج را با خود به شهر رسانید، مذاکرات مریوان با چمران و دیگران) همواره سعی کرده است از این اصل پیروی کند و تا بحال بسیار عالی هم از این روش گرفته است. قطعنامه - های ۸ ماده‌ای ما با دوستند که هنوز هم اعتبار خود را حفظ کرده‌اند، مورد پذیرش و

پشتیبانی فعال کرده و سرویس‌های انقلابی و آرایه‌خواه سران بران قرار گرفتند. کمانی هم‌کدما حوادث برسران و مذاکرات آن انشائی دارند و جوی مداخله سبک شرکت نیروهای انقلابی و محمله ما زمان رحمتگان (کودم) و در جریان گذاشته داشتیم آن با مردم "اردو" که در بران "و سران کردستان بود که گذاشتند؛ کرده کسبکان به ما زین و اجرات کسب شده و بی‌توجهی مردم و رهبری قطع شود. کنا شدن جریان مذاکره به ما مردم باعث می‌شود که توده‌های مردم به ما سبکان و مذاکره کنند. کان خود شما نکنند. ما با کنا شدن جریان مذاکرات همان مردم، مذاکرات را از صورت "ا سران" می‌آن که توده ما در "ا شایسته" آن نمیدانند و ریسک امر "محمود رهبران" می‌روم و ما ورم، انتظارات قوی العاده‌ای را از مذاکرات در میان مردم وجود دارد که می‌دیم و واقعیتی را در سبک می‌دهیم. هم خود را در معرض فضا و با استغناء از طسرف توده‌های مردم قرار می‌دهیم و هم سطح توقع آنها را بالا برده و ما شایسته، اصولی مذاکره آشنا می‌سازیم. همه اینها را با شرکت در مذاکرات میتوان انجام داد.

۴ - ما در مذاکرات خود مانع می‌شویم که رژیم ستوان در ریس نیروهای کردستان تفرقه اندازی کند. زیرا ما خواستار شرکت تمام نیروهای سیاسی کردستان در این مذاکرات می‌باشیم. ما خواستار آنیم که حزب دموکرات نیز در این مذاکرات شرکت داشته باشد. متقابلاً نیروهای سیاسی کردستان و حزب دموکرات کردستان هم با بستن همین موضع را مرا حتماً اعلام کنند و از مذاکرات پشتیبانی و " صلح جدا - گانه " خودداری نمایند تا به این وسیله رژیم نتواند از شکاف میان نیروهای سیاسی کردستان بهره‌برداری کند. ما با شرکت خود در مذاکرات، جناحی از سازندگان کرد را از ساخت و پخت‌های بی اهمیت بودن اطلاع مردم (کاری که ما ستان به حال چندین بار روی داده است) محروم می‌کنیم و به این وسیله باز هم مانع بهره‌برداری رژیم می‌شویم.

۵ - ما بر روی پروژه‌های اساسی خلق کردنا کید می‌کنیم نه بر روی حل عوارض جنگ اخیر. مسئله عوارض جنگ اخیر (آزادی زندان، نمان و تسعیدشدگان موقت کردن اعدا مها، فراخواندن پاسداران و غیره) تنها در رابطه با جواب‌گویی به خواسته‌های اساسی خلق کرد قابل حل هستند. حداقل این خواسته‌ها در مرحله کسب در فلسطی ما‌های ۸ ماهه‌ای می‌باشد و است. آن آمده است و ما تا کید می‌کنیم که آنها را ملاک و پایه، هرجوع مذاکره‌ای در مورد کردستان در شرایط فعلی میدانیم.

۶ - ما مسئله حقوق ملی تمام حلقه‌های ایران را با "مسئله" کردستان پیوند می‌دهیم. ما مسئله آزادی‌های دموکراتیک در ایران را هم با "مسئله" کردستان پیوند می‌دهیم یعنی ما از حقوق خلقها در یک ایران دموکراتیک دفاع می‌کنیم. ما بخوبی آگاهیم که مبارزات و شرایط دشوار ما باعث فراموشی آیدن شرایط

ما عد برای مبارزه در ما بر شرایط ایران می‌شود. ما با افتخار این طبقه تاریخی را می‌پذیریم و قول می‌دهیم که ثمرات مبارزه خود را در اختیار همه نیروهای انقلابی، هم‌واداران حقوق ملت و مبارزان آزادی‌های دموکراتیک قرار دهیم. به این وسیله ما کاری می‌کنیم که این نیروها نیز مبارزه ما را از مبارزه خود جدا و مکتوم و وسیع ترین پشتیبانی متقابل را بین نیروهای دموکراتیک و ما می‌ریا لیستی در ایران فراهم سازیم.

۷ - ما همه مبارزات خود محمله سنگسرها را با سند و سله‌ای برای ایجاد شرایط مسا عدوا عملاً بخدمت به مبارزات طبقه کارگر و ایحاد می‌بندیم و سعی می‌کنیم که هر یک از هم چون مراحل تاریخی و با سله‌های بسیاری شامل شرایط انقلاب دموکراتیک ایران به رهبری طبقه کارگر می‌دانیم. ما اعتقاد داریم که طبقه کارگر با بستن مسئله حقوق خلقها و مسئله آزادی‌های دموکراتیک را همچون امر حیاتی خود پیدا می‌کند و بر عکس با بستن لمس کند که سرکوب آزادی‌ها و سرکوب خلقها تا چه حد از لحاظ عمیق ضرر خود می‌باشد. همین آگاهی می‌بندد و سعی می‌کند که با اشتراک منافع واقعی ایجاد دوا دهد. به این وسیله ما می‌کشیم شرکت فعال و دفاع پر شور طبقه کارگر را نسبت به امر خلقی که در طلب تمام می‌شود.

۸ - قبول مذاکره از نظر ما به هیچ وجه بمعنای قبول آتش‌بس نیست، ما در اینجا نمونه و ستان را در نظر می‌گیریم، نه نمونه مصر را. جبران می‌گوید با بستن با قدرت نظامی عمل کرده و آنگاه در مذاکره شرکت نمود. ما هم همین کار را می‌کنیم. کنفرانس مذاکره در حقیقت چیزی جز انعکاس شایسته واقعی نیروها نیست. اشنایه است اگر فکر کنیم عقب نشینی در زمینه نظامی "حسن نیت" مرتجعین را جلب خواهد کرد. این به اصطلاح "حسن نیت" را نیرومندی ما به آنها تحمیل خواهد کرد.

۹ - ما در مورد بر زمین گذاشتن اسلحه یعنی تن دادن به خلع سلاح ما هرگز و در تحت هیچ شرایطی تا تحقق کامل انقلاب دموکراتیک ایران به رهبری طبقه کارگر تن به خلع سلاح نخواهیم داد. تجربیات مختلف حلقه‌های جهان تجربه خلق کرد و تجربه خلع سلاح مردم پس از قیام اخیر ایران برونش نشان می‌دهد که "خلق بدون یک ارتش توده‌ای هیچ ندارد". و تمام دستاوردهای سیاسی خود را از دست خواهد داد. سیاست همیشگی و تزلزل ناپذیر ما ایجاد و تقویت جنبش ارتشی خواهد بود.

۹ - هدف هر مبارزه انقلابی کسب قدرت سیاسی است. اما این مبارزه از راه‌های پسر پیچ و خمی می‌گذرد. ما نمی‌توانیم در مذاکره با دولت از وی بخواهیم که قدرت را به کارگران واگذار کند. اما ما میتوانیم خواسته‌های تاکتیکی و کوتاه مدتی برگزینیم که بتوانند توده‌های مردم را بدور خود جمع کرده و در صورت تحقق یافتن، رسیدن به هدف نهایی را آسانتر کند. بنابراین ممکن است در این مذاکره به توافق‌های معینی که در حقیقت عقب‌نشینی‌های تاکتیکی رژیم محسوب می‌شود برسیم.

در این حالت ما با تمام نیروها زیر فشارهای دست آمده (امکان کار رگانی، تبلیغات وسیع، مطبوعات و غیره) استفاده می‌کنیم. بسودن اینکه در اد آسودگی شوم و نیروهای مسلح خود را برانگیزد و منحل سازیم. ضمناً ما قبول مذاکره را با توجه به شرایط متخین کنونی به نفع خلق و به نفع انقلابی می‌دانیم. طبیعی است که هر زمان تحریم آنرا برای مبارزه، خلق سودمند تشخیص دهیم، در تحریم آن تردید نخواهیم کرد.

۱۰ - ما از من پیشانی‌های شیخ عزالدین حسینی به همت مذاکره دولت موقت جمهوری اسلامی ایران که در روز ۲۷/۷/۵۸ به آسای داریوش فروهر ارائه شده است، پشتیبانی می‌کنیم. (۱) علاوه ما معتقدیم رژیم ایران با تبلیغات مسموم در مورد شخصیت حضرت شیخ عزالدین حسینی در حقیقت به توده‌های وسیع خلق کرده که ما را به ما سبک‌ترین وجهی احترام و علاقه خود را نسبت به ایشان ابراز داشته اند، توهین بیشتر ما ندای کرده است. ما مصرأ خواستار آنیم که از ایشان به شیوه رسمی بپوش خواهی شود. ۵۸/۸/۶

(۱) - خواسته‌های حداقل که در اعلامیه سازمان انقلابی رحمتگان کردستان ایران مورخه ۷/۲۷ مطرح شده، برقرار است؛
- آزادی‌های دموکراتیک در ستان را بران اعاده و از احزاب و مطبوعات رفع توقیف کرد.
- سپاه پاسداران در کردستان منحل و به محل‌های خود بران خواهد شد.
- در هر مذاکره فلسطی ما‌های ۸ ماهه‌ای می‌باشد و سند ملاک قرار گیرد.

**دفاتر سازمان
انقلابی رحمتگان کردستان
ایران (کومله)
در سقز گشوده شد.**

اخیراً دفاتر این سازمان انقلابی در سقز گشوده شد. این موضوع نشان می‌دهد که ارتجاع چگونه در کردستان شکست خورده و مجبور به عقب‌نشینی شده است. خمینی که در عرض چند ساعت! می‌خواست خلق کرد و کمونیست‌ها را شکست دهد! با بسیج توده‌های ناآگاه و لشکرکی به کردستان پیش از پیش شکست خود را جلو انداخت. امروز دیگر ارتجاع مجبور به برخی عقب‌نشینی‌ها شده است. با زدن دفا تر ما زمانهای انقلابی در شهرهای کردستان نشان‌های از این عقب‌نشینی ارتجاع است. ما گنایش دفاتر سازمان انقلابی رحمتگان کردستان ایران را به این رفقا و شما می‌خلق کرد شمیرک گشته و همانطور که رفقا در پیام خود به این مناسبت متذکر شده اند این پیروزی را، شمره قهرمانی‌ها و دلوریهای خلق قهرمان کرد می‌دانیم.

اخباری از:

جنبش دانش آموزی



داده میشود به یوکان منتقل میگردد .
 مراسم شش هزاره دانش آموز شهید
 با شرکت حدود ۳ هزار نفر از دانش آموزان و
 مردم شهر برگزار میشود . شعارهای این مراسم
 با نگویند تکیه بر طرد سازنگاری در جنبش خلق
 کردو داد ما مقاومت تا کتب پیروزی و پستیما نی
 ارزش عمالدین و پیشمرگان قهرمان داشت .

بروجرد

شهره دانش آموزان مبارز بروجرد
 دانش آموزان مبارز بروجرد دست به
 انتشار نشریه‌ای با عنوان نوب زده اند .
 این نشریه حاوی مقالات و اخبار مبارزات
 دانش آموزی است . ماسرای این نشریه ، آرزوی
 موفقیت کرده و بعد از این نشریه آنها
 استعداد خواهد کرد .

اخبار زیادی از مبارزات دانش آموزان
 نقاط مختلف کشورمان توسط هواداران سازمان
 بدست ما رسیده است که بعلاوه محدود بودن
 صفحات پیکار و نیز کمبود شدن برخی از آنها
 از درج همگی آنها در پیکار معذور بوده و
 فقط بعضی از آنها را بطور مختصر مآوریم :

مسجد سلیمان

در سیزدهم آبان تظاهرات دانش آموزان
 مسجد سلیمان توسط عناصر فائز و کمیته جبهه
 یخون کشیده شد و ۹ نفر از دانش آموزان
 زخمی شدند . شعار دانش آموزان که بیشتر
 از دبیرستانهای مدیقه رضائی ، آزادگان
 ۱۷ شیربور ، امیرکبیر و سینا بودند از این
 قرار بود :

- ۱- محفل سبزمد ، ارتجاع بیسی لوزد
- ۲- شکل ، آگاهی ، دشمن ارتجاع است
- ۳- اتحاد ، اتحاد علیه برما بینه دار
- ۴- کردستان ، کردستان گورستان ، فاشیسم
- ۵- مدنی ، مدنی ، در سادار پهلوی

دانش آموزان مسجد سلیمان در روز ۱۵
 آبان هم در اعتراض به اعمال عناصر ارتجا
 عی و حمله آبان به صفوف دانش آموزان
 تظاهراتی انجام دادند که با استقبال کارگر
 ان ، مصلحان ، روشنفکران و دبیرنامه ها
 روبرو شده و بسیاری صفوف دانش آموزان
 پیوستند . پیوسته تعداد تظاهرات کنندگان به
 حدود ۵ هزار نفر رسید .

خرم آباد

هنرجویان سال چهارم هنرستان خرم آباد
 به پستیما نی از تحصن هنرجویان دیگر
 شهرها ، از تاریخ نیم آبان در استانداری
 لرستان متحصن شدند . خواست متحصنین ، همان
 خواستهای اعلام نده از طرف هنرجویان سراسر
 کشور است .

سقز

سقز - ۵۸/۸/۵ تا ۵۸/۸/۱۳
 شورای دانش آموزان و معلمین سقز
 رسیدن به خواسته‌های خود را تاریخ ۵۸/۸/۵ اعلام
 تحصن نمودند . مدارس شرکت کننده در این
 تحصن هر کدام در یکی از ادارات و موسسات
 شهر از قبیل بانک ملی ، اداره دارائی ، مخا
 برات ، مایکروویو ، متحصن شدند و آن موسسات
 را تعطیل نمودند . این تحصن علاوه بر انعکاس
 سیاسی آن از لحاظ اقتصادی نیز به رژیم
 ضربه‌هایی وارد آورد . در این مدت با زاریان
 سقز بعنوان پستیما نی از متحصنین مدتها
 روز دکانهای خود را بستند . و کارمندان بهداری
 و کارگران شهرداری نیز پستیما نی خود را از این
 تحصن اعلام داشتند . در مدت تحصن بهترین
 مکان تحصن سفعت در مرکز شهر بود آن محال
 بود که عملا سک کاسو آموزشی انقلابی و مثا
 خیرگیرو تبدیل شده بود . در بعد از ظهر

۵۸/۸/۱۲ با مداران ارتجاع ششمه به تگسیر
 تحصن داشتند که مقاومت دلیرانه دانش
 آموزان و همچنین پستیما نی مردم ارتجا
 روبرو شد و در نتیجه نقشه مداران را بستم
 زدند . خواهشهای متحصنین بدین شرح بود :

- ۱- اخراج پاسداران از کردستان
- ۲- آزادی فعالیت سیاسی
- ۳- آزادی و لغو سورا از مطبوعات
- ۴- آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران به
 ویژه کردستان
- ۵- انقاص حکم تبعیدیان
- ۶- بازگشت ۲۴ نفر معلم اخراجی
- ۷- استرداد دانش‌آموزان حاکمان احزاب فرنگ
 کردی .

در روز ۵۸/۸/۱۳ تحصن با سلاح زینر
 خاتمه یافت :

- ۱- بازگشت تبعیدیان
- ۲- بازگشت معلمین اخراجی
- ۳- استرداد دانش‌آموزان چاب
- ۴- آزادی زندانیان سیاسی سقز

سقز - ۵۸/۸/۱۴
 روز ۵۸/۸/۱۴ ساعت ۱۰ صبح در خیابان
 قاضی یکی از آنها که از آمدن آنها پیشتر در شهر
 به اذیت و آزار مردم می پرداخت و همچنین در
 کندن اعلامیه‌ها و شناسائی افراد متحصن فعالیت
 داشت ، توسط مردم هومیشود . جاش مزبور
 عصائی مینود و اقدام به تیراندازی میکند
 که در نتیجه آن یکی از دانش آموزان به اسم
 لطیف عبدیان در اثر تیراندازی کلوله به شهادت
 میرسد . جاش مذکور توسط مردم دستگیر میشود
 کتک مفعلی میخورد و سپس تحویل پیشمرگان

آمل

بمناسبت گرامی میداشت و تجلیل از خاطره
 شهدای ۱۳ آبان ، روز یکشنبه با دعوت
 " کمیته مشترک دانش آموزان انقلابی " از
 نیروهای مترقی و خدا مبریا لیت ، چند هزار
 نفر از دانش آموزان ، فارغ التحصیلان بی
 کار و ... در دبیرستان خمینی گرد آمده
 در ساعت ۹/۵ با حمل پلاکاردهائی چگون
 " خلق کرد خود مختاری میخواهد نه جن
 " گرامی باد خاطره شهدای خلق کرده ، عرب
 بندر انزلی و ... " از مبارزات حق طلبانه
 روستائیان " کلکمان " پستیما نی کنیم " ،
 " برقرار باد خود مختاری خلقها در چارچوب
 ایرانی مستقل و دمکراتیک " و ... دست
 ب راهپیمائی میزدند . در حین راه پیمای
 شی شعارهای " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " ،
 " خلق کرد پیروز است ، ارتجاع باود است " ،
 " کارگر انزلی برای ایجاد کارخانه بخون
 " شد " ، " فرهنگ آمریکا شای نام بود باید بگردد ،
 فرهنگ انقلابی ایجاد باید گردد " ، " نان
 مکی ، آزادی " ، و ... داده میشد .

راهپیمایان در مقابل شهرداری ، مورد
 شهادت تعدادی از فالانها قرار میگرفتند و
 عده‌ای از آنها متفرق شده ولی فشارخ
 التحصیلان بکار برای خود تا مقصدشان که
 مقابل دبیرستان خمینی بود ، ادامه میدهند .
 در هنگام حمله فالانها تظاهرات کنندگان شمار
 میدادند . جمران آمریکا شای جلد خلق ما
 شاکر ، فلاحی مردوران آمریکا " ، فالانها
 بعلاوه پراکنده دانش آموزان توانستند
 کتاخانه دانش آموزی را مورد حمله قرار
 داده و کتابها را از بس ببرند .

روز دوشنبه ۱۴ آبان گروهی از دانش
 آموزان در دبیرستان خمینی بعنوان اعتراض
 به حمله عناصر مرتجع به صفوف آنها در روز
 قبل به تظاهرات دست زدند و در پاسا
 قطعنامه به مضمون زیر را قراشت کردند :

- ۱- عدم دخالت نیروهای انتظامی و با
 هر نیروی خارجی در مدرسه .
- ۲- ایجاد محیط دمکراتیک و آزادی برای
 فعالیت سیاسی در مدرسه .
- ۳- تشکیل شوراهای واقعی دانش آموزان
 متشکل از کلیه نیروهای سیاسی در
 مدرسه

بقیه در صفحه ۶



(بنقل از ضمیمه محلی پیکار - کمیته آذربایجان)

گزارش مختصری از چند روستای اردبیل

اردبیل دارای محالهای مختلف است از قبل و بلکج، یولادلی، بوردجی و محال خلخال و... ما اوضاع کلی از دهات محال و بلکج را که منطقه بین "تمین" و "کلا" را شامل میشود از زبان خود دهقانان بیان میکنیم: دهات آذربایجان مانند اکثر دهات ایران در بدترین شرایط قرار دارند. این بدی شرایط مخصوصاً برای دهاتی که در کوهپایه قرار گرفته اند تشدید میشود و ناراضیهای بیشتری بار میآورد. دهات محال و بلکج هم بیشتر در کوهپایه قرار دارند و از اوضاع جغرافیایی سخت برخوردارند و همچنین از هیچگونه امکان رفاهی برخوردار نیستند. ناشی با خانه‌های گلی و سفکوتها، بار صرجه‌های بر ازلجن، دهاتی در معرض خطر سیل و خانه‌هایی کوچک و تاریک که تیرهای مگش از بس دوده بسته است به تیرقیمی بدل شده‌اند. اکثر کشت این مناطق غله است و تقریباً اکثریت اردشان را از بازاری - خرد. از اصلاحات ضد دهقانی رژیم منفسور پهلوی به این طرف از بس تکه زمینهای هر خانوار بین اولادشان تقسیم گشته است که دیگر بقول یکی از مردان ده "گیری" تبدیل به طاقچه شده‌اند.

بدین جهت اکثر آنگه زمینهای خود را به "هامباها" (دهقانان مرفه و نیمه مرفه) میفروشند و راهی شهرها میشوند چنانکه اردبیل را کمربندی از خانه‌های دهقانان کوچ کرده، در خود قرار داده است و این کوچ کردن مخصوصاً بعد از قیام فزونی گرفته است زنی از ده "ایریل" میگفت: "دیگر از یک گاو که نمیشود ده من در روز شیردوشید. آه! هفت هکتار زمین چیست که محصولش کفاف به خانواده یعنی من و شوهرم بایچه - های کوچکتر و دوپسر دیگرم بازن و بچه‌ها - بشان را بدهد."

وضع راهها افتضاح است. بطورمثال بهترین راه در محال و بلکج، راه اردبیل به "هور" و "رز" است که بقول یکی از دهقانان ده سفت‌چی "قابله خوبی است تا اگر زن حامله‌ای را سوار بر این ماشینهای قراضه از این راه ببری همان دوسه دقیقه اول حتماً بچه را سقط خواهد کرد!"

مشکل دهات کوهپایه از این لحاظ بیشتر است از درمانگاه و برق و حمام خیری نیست. مردم بیشتر خود را با در "کلهها" (برکه‌ها) و "شرانها" (آبشارهای کوچک) میبویند و با در طویله حمام میکنند. وضع مسکن تعریفی ندارد، غیر بهداشتی و بد است مثلاً در ده "هور" که تقریباً بخش حساب میشود و تازه یکی از بهترین دهات این منطقه است در یک خانه چندین خانوار زندگی میکنند. بدین معنا که خانه‌ها هر روز کوچک و کوچکتر میشوند زیرا پسرهای جوان زن میگیرند و پدر مجبور است خانه را دوباره تقسیم کند. مثلاً همین ده

یک کشاورز: "... قربان جدت بروم مگر قبل از آمدن شما ما بیهودی بودیم؟ ... ما اسلام داشتیم ولی نان نداشتیم و نداریم."

"هور" وسعت ناچیزی دارد، در صورتیکه بگفته خود اهالی ۱۵۰۰ خانوارند!

بعد از قیام بهمن ماه دهقانان امیدوار بودند که راه فرجی برایشان باز شود ولی بقول خودشان "شاه رفت و شاهنامه خوان آمد" و تنگی زندگی که از زمان شاه خاش شروع شده است، هر روز بیشتر میشود. پای صحبت یکی از مردان جوان ده "قزل قلمه" می نشینیم:

"جنگل دوباره قذف شده و این بار باسداران بجای ما موران جنگلانی شروع به رشوه‌خواری کرده‌اند. برای هر بار قاطر ۵۰۰ ریال نرخ تعیین کرده‌اند. کمیته چیه برای آنکه مردم نگویند که رشوه‌خواری میکنند، دست به استکار تازهای هم زده‌اند! آنها با قاطرچیها را که میگیرند ضبط میکنند ولی آنرا تحویل جنگلانی (که البته باز هم فرقی نمیکند) نمیدهند، بلکه بنفع خود بغزوش میرسانند و بیشتر از پول رشوه - ای، ما بدشان میشود!" از طرفی کم بودن زمین و بی صرفگی زراعت هم باعث گشته است که خوش نشینها بیشتر شده و به شهروزی آورند ولی در شهر هم کار نیست. نه جنگل، نه زراعت، نه کار و از وقت قیمت لسوازم ضروری زندگی نیز هر روز گرانتر میشود و مثلاً آرد تهران که تا ۴ ماه پیش کیمه‌ای ۱۳۰ تومان بود به کیمه‌ای ۱۹۰ تومان رسیده است و با توجه به اینکه یک خانواده متوسط ۵ نفری در ماه حداقل ۲ کیمه آرد مصرف میکند (زیرا اکثر آخوراکشان نان است) با این حساب ما چقدر میتوانیم دوام بیاوریم، به اسوالفضل قسم وقتی بچه از طبق نان بر میدارد مادر عین بیرمیبرد، از دستش می‌چاپد و کتکش میزند که سیخ تو شکمت برود مگر نمیدانی گرانی است!؟ یا روغن نباتی کیلوئی ۷ تومان را ۲۰ تومان به ما میدهند. از برنج هم که اعلان ناپسند حرف زد. گفت پلاستیکی در عرض چند مساه قیمتش دو برابر شده است. پارچه هم که اصلاً پرسیدن نیست بدین جهت اکثر دهات آنها لباس خود را از فروشگاه بزرگ اردبیل! (میدانی بنام "تازه میدان" که محصل بساط کهنه فروتشیهای شهر است و به شوخی فروشگاه بزرگ اردبیل خوانده میشود) تهیه میکنند. گوشت هم که بحمدالله در حسرت مانده‌ایم. دکانها برای چاپیدن فقط تفنگ و شمشیر کم دارند، نمیدانم تا عید دوام خواهیم آورد یا نه. اکثر جوانها و نوجوانها بیکارند در کوهها پرسه میزنند و یا در قهوه‌خانه‌ها می نشینند و از هم بدگویی می - کنند و دعوا راه می اندازند. از مدرسه‌های

ده میپرسم جواب میدهد: "ای بابا دلنجان را خوش کرده‌اید. داخل مدرسه‌ها بیشتر به توریه (زبانگه کوچک) میماند، بچه‌ها را طوری چپانده‌اند که حتی جای نفس کشیدن نیست تازه چه درسی میخواهند بخوانند؟" از روستاهایی که در جریان قیام فعالانه شرکت کردند، ده "نبارا" است. این ده که حدوداً ۶۵۰ خانوار دارد در حدود ۵۰۰ "هامبا" دارد و بقیه را دهقانان کم زمین و غربیه‌ها (خوش نشینها، در این دهات دهقانان خوش نشین را اکثر آغریه مینامند) تشکیل میدهند. این ده در طی قیام ۱۱ نفر شهید داد.

پای صحبت یکی از مردان ده "نبارا" می - نشینیم: "فکر میکردیم اگر آقا بیاید کارها درست میشود تازه هر که میخواهد حرف راستی بزند میگویند فکر کمونیستی داری! وقتی آیت الله خمینی وارد ایران شد، برایش "کل" (گاونر) سرپریم، ولیسی بدون رودریاستی حال دلم برای آن کلهها میسوزد. مگر چی عایدمان شد؟! ما میگوید ما فقط اسلام میخواستیم! کسی هم نیست به این امام بگوید "آخر قربان جدت بروم مگر قبل از آمدن شما ما بیهودی بودیم؟ ما قبلاً هم مسلمان بودیم. شما که دین تازهای نیاورده‌اید. ما اسلام داشتیم ولی نان نداشتیم و نداریم."

از روجه مردم میپرسم، جواب میدهد: والا آنهاش که زمانی بفت و سخت شاه پست بودند (اکثر آها میهاها) و بر علیه افسراد فعال دهات با ژاندارمری همکاری میکردند، حالا هم رنگ عوض کرده و به همان فلتسی و سختی خمینی پست شده‌اند! و هر کس با این وضع اعتراض میکند میگویند "کفر میگوی، اسلام را ضعیف میکنی، به کمونیستها خدمت میکنی و..."

یکی از دهقانان ده "هور" با طنزی - گوید "آخر ما هر کس را نشناسیم این ملاحهای خودمان را که می شناسیم!! درد اینست که اینها برابمان قیافه میگیرند! همین آخر مگر شنیده‌ای که ملا به کسی بخش بکند؟ حتماً نه. آنها فقط دست گرفتن دارند، آنها همیشه گرفته‌اند، از من زارع، از دکان - دار، از ظالم، از مظلوم و... برادر سرت را درد نیآورم، ملا جیبی دارد از پای تا سر، که هر چقدر بدهی بر نمیشود، ولی شخصاً فلا دو جیب دارد که زودتر بر می شود و دست از سرت بر میدارد". ده آبکلو که ده بزرگی است (حدود ۵۰۰ خانوار دارد) که ۵۰ خانوار را هامباها و بقیه را دهقانان فقیر کم زمین و غربیه‌ها تشکیل میدهند (اکثر مردان این ده برای کار به شهر تهران میرفتند و در کارخانجات کار میکردند. ولی از دوران قیام تا بحال خانه نشین شده‌اند جوانی از این ده میگفت "از لطف جمهوری اسلامی دیگر بازنشسته شده‌ایم، البته بدون حقوق! اکثر دهقانان میگویند "اگر وضع به همین منوال پیش برود فردا پس فرداست که به شهر بریزیم".



بمناسبت گرامیداشت شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

چهارمین جشن سالگرد انقلاب اکتبر

(مقاله ای از لنین)

- ۲ -

ادامه از شماره قبل

همه اینها محتوای انقلاب بورژوا-دمکراتیک را تشکیل میدهد.

یکمده و پنجاه سال پیش و درست و بجا سال پیش رهبران مترقی آن انقلاب (با اگر تنوع ملی یکسوی عام را در نظر بگیریم، آن انقلابها) قول دادند که شریعت را از امتیازات فئودالی و طبقاتی، نابرابری جنسی، امتیازات دولتی این با آن مذهب (پسا "ایده‌های مذهبی"، "کلیسا" بطور کلی) و نابرابری ملی رهایی بخشد. آنها قول دادند، اما بقولشان وفا نکردند. آنها نمیتوانستند به قولهای خود وفا کنند، چه "احترام" آنها حق مقدس مالکیت خصوصی آنان را از این کار بازمیداشت. انقلاب پرولتری ما دچار این "احترام" لعنتی نسبت به مظاهر فئودالی و طبقاتی صدمت حورده و به "حق مقدس" مالکیت خصوصی نبود.

اما بخاطر تحکم دستاوردهای انقلاب بورژوا-دمکراتیک برای مردم روسیه، مجبور بودیم بیشتر بروم و بیشتر هم رفته‌ایم. ما مسائل انقلاب بورژوا-دمکراتیک را بعنوان محصول فرعی فعالیتها و عمدتاً و جلاًما پرولتری - انقلابی و سوسیالیستی خود در مدت زمانی قلیل حل خواهیم نمود. ما همواره گفته‌ایم که اطلاعات محصول فرعی مبارزه طبقاتی انقلابی است. ما گفتیم و با عمل آن را ثابت کردیم که اطلاعات بورژوا-دمکراتیک محصول فرعی انقلاب پرولتری یعنی انقلاب سوسیالیستی است. اتفاقاً، کاشونکی‌ها، هلرودینک‌ها، مارف‌ها، چرنوف‌ها، طلویت‌ها، دانگه‌ها، مک‌دونالد‌ها، سوراخی‌ها، و دیگر فرماندهان مارکسیسم "دوونیم" (۱) ناتوان از درک این ارتباط بین انقلابی بورژوا-دمکراتیک و سوسیالیستی - پرولتری بودند. اولی به دومی ربط می‌یابد. در مدت زمانی قلیل مسائل اولی را حل میکند. دومی عملکرد اولی را تحکیم می‌بخشد. مبارزه و فقط مبارزه تعیین میکند که دومی در بسط اولی تا کجا توفیق می‌یابد.

نظام شوروی یکی از زنده ترین دلایل با مظهر این امر است که چگونه یک انقلاب به انقلاب دیگر بسط می‌یابد. نظام شوروی حداکثر دمکراسی را برای کارگران و دهقانان تامین می‌کند. در عین حال گسستن از دمکراسی بورژوایی و ظهور نوعی دمکراسی نوین و دوران ساز، یعنی دمکراسی پرولتری با دیکتاتوری پرولتاریا را مشخص می‌سازد. بگذار فراموش نکنیم و خودکامپتر بورژوا-زی و دمکراتهای خرده بورژوا که دنباله رو آنانند بخاطر شکستها و اشتباهات ما در کار

بنای نظام شوروی خود لنین و دشنام و استهزا نثار ما کنند. ما یک لحظه هم فراموش نخواهیم کرد که اشتباهات زیادی را مرتکب شده و می‌توسیم و شکستهای زیادی را متحمل میگردیم. چطور میتوان در امری اینچنین نو در تاریخ جهان چون ساختن نوع سیاسی ای از ساختمان دولت از شکستها و اشتباهات اجتناب کرد! ما بنحو استواری برای تصحیح اشتباهات و شکستهایمان و اصلاح کاربرد عملی اصول شوروی، که هنوز از کامل شدن فاصله خیلی زیادی دارد، فعالیت خواهیم کرد. ولی حق داریم از اینکه اقبال آغاز ساختمان یک دولت شوروی، و بنا بر این بنیاد، یک عمر جدید در تاریخ جهان، عمر جاکمیست یک طبقه جدید، طبقه‌ای که در تمامی کشورها سرمایه‌داری تحت ستم بوده ولی اکنون در همه جا در راه یک زندگی نوین، در راه پیروزی پرولتاریا، در راه دیکتاتوری پرولتاریا، در راه رهایی بشریت از بیوع سرمایه و جنگهای امپریالیستی به پیش می‌تازد، نصیب ما شده مغرور باشیم و هستیم.

مسئله جنگهای امپریالیستی، مسئله سیاست بین‌المللی سرمایه‌داری، مسئله سیاست بین‌المللی جهان منسلط است، سیاستی که تاگزیر جنگهای جدید امپریالیستی را ایجاد خواهد کرد، سیاستی که تاگزیر باعث تشدید افراطی ستم ملی، جباول، راهزنی، اختناز، ملل ضعیف و عقب مانده و کوچک توسط منشی قدرتهای "بیشرفته" خواهند شد. این مسئله اساس مجموعه سیاست کشورهای جهان از ۱۹۱۴ به بعد است. این مسئله مرگ و زندگی میلیونها نفر از مردم است. مسئله این است که آیا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر از مردم (در مقایسه با ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ نفری که در جنگ ۱۸-۱۹۱۴ و در جنگهای "کوچک" مکمل آن که هنوز ادامه دارد کشته شدند) در جنگ امپریالیستی بعدی که بورژوازی آماده آن میشود و درست در برابر چشمان ما می‌گیرد قتل عام خواهند شد. مسئله این است که آیا در جنگ آینده که (اگر سرمایه‌داری به حیات خود ادامه دهد) تاگزیر است، ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر ناقص‌العضو (در مقایسه با ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ناقص‌العضو در ۱۸ - ۱۹۱۴) خواهند شد. در مورد این مسئله نیز انقلاب اکتبر ما نشاندهنده آغاز عصر نوینی در تاریخ جهان بود. نوکران بورژوازی و با دمجان دورقاب چین‌هایش - سوسیال رولوه - سیونرها و مشوبیکها و دمکراتهای خرده - بورژوازی مدعی سوسیالیست سرنا سرجهان - شعار "جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی مبدل سازید" ما را به مسخره گرفته‌اند.

ولی ثابت شد که این شعار حقیقت است. حقیقتی ناگوار، خشن، عریان و بیرحم، با اینهمه تنها حقیقت، در برابر انتوهی از آراسته ترین دروغهای ملح طلبانه و جنگ طلبانه.

ملح برست افشا شده است و هر روز که میگذرد اهمیت و عواقب ملحی که حتی بدتر از برست است - ملح روسی - سرخمانده افشا میگردد و میلیونها نفری که به علل جنگ اخیر و جنگ قریب‌الوقوع آینده می‌اندیشند بیش از پیش این حقیقت ترسناک و بیرحم را که فرار از جنگ امپریالیستی و ملح امیر - بالیستی (اگر املاً قدیم هنوز مورد استفاده بود من کلمه ملح را دو جور مینویسم - تا هر دو معنی آنرا برسانم (۲)) که بطور غیر قابل اجتناب جنگ امپریالیستی را ایجاد میکند، این حقیقت را که فرار از اینس دوزخ، جز با یک مبارزه بلشویکی و یک انقلاب بلشویکی ناممکن است بیرونش درک میکنند.

بگذار بورژوازی و ملح طلبان، ژرنالها و خرده بورژوازی، سرمایه داران و سفلیگان سی فرهنگ، مسیحیان متقی و شوالیه - های انترناسیونال دوم و دو و نیم خشم دیوانه وار خود را متوجه این انقلاب نمایند هیچ سیلابی از دشنام، افترا و دروغ نمی‌تواند آنها را قادر به پنهان ساختن این واقعیت تاریخی نماید که برای نخستین بار در طول مدها و هزاران سال، سردگان به جنگ میان برده داران با اعلام آنگار این شعار پاسخ داده اند: "این جنگ میان برده - داران برای تقسیم غارت را به جنگ بردگان

(۱) - اشاره است به اصطلاح انترناسیونال "دو و نیم" که در وین در فوریه ۱۹۲۱ در کنفرانسی از احزاب "سانترلیست" و گروه - هایی که تحت فشار احزاب انقلابی کارگر - ان، موقتاً از "انترناسیونال دوم" خارج شده بودند، تاسیس شد. در سال ۱۹۲۳ انتر - ناسیونال دو و نیم به انترناسیونال دوم پیوست.

(۲) - در زبان روسی کلمه mir دو معنی دارد (جهان و ملح) و در املاً قدیمی، دو املاً مختلف داشت.

تمام ملتها علیه برده‌داران تمام ملتها تبدیل کسید.

برای نخستین بار در طول صدها و هزاران سال این شمار از یک انتظار منبم و درمانده بیک برنامۀ سیاسی روشن و مشخص، به یک مبارزه موثر توسط میلیونها مردم متعدده تحت رهبری پرولتاریا، به نخستین پیروزی پرولتاریا، نخستین پیروزی در مبارزه برای الفنا جنگ و برای متحد کردن کارگران تمام کشورها علیه بورژوازی متحد ملت‌های مختلف علیه بورژوازی که به خرج بردگان سرمایه، کارگران مزدور، دهقانان، مردم زحمتکش، ملخ می‌کند و جنگ براه می‌اندازد، تبدیل شده است. این نخستین پیروزی هنوز پیروزی نهایی نیست و این پیروزی با انقلاب اکثریت ما، به بهای مشکلات و سختیهای باور نکردنی، به بهای رنج بی‌سابقه، همراه با یک سری شکستها و اشتباهات جدی از جانب ما بدست آمده است. چگونه میشد از یکسک مردم غمناکانه، تنها انتظار داشت که جنگهای امپریالیستی، فوپیترین و بیشترفته ترین کشورهای جهان را بدون تحمل شکست و بدون ارتکاب اشتباهات عظیم نماید.

ما از پذیرفتن اشتباهاتمان نمی‌هراسیم و آنها را بدون تعصّف در بررسی قرار می‌دهیم تا بسا موزم بجزبه آنها را تشخیص نماییم. اما این واقعیت‌های خود باقی است که برای نخستین بار در طول صدها و هزاران سال وعده و "پانخ" دادن به جنگ میان برده‌داران با یک انقلاب بردگان علیه تمام برده‌داران کاملاً اجرا نشده است و عظیم‌ترین تمام مشکلات در حال اجراست.

ما شروع کرده‌ایم، اینکه چه موقع، در چه تاریخ و زمانی و برلترهای کدام ملت این پیروزی را بسا... را خواهد رساند، مهم نیست. مهم اینست که بجای کشته شده است، جاده باز است، راه نشان داده شده است.

آقایان، سرمایه‌داران تمام کشورها به نظر هر رباکارانه، دفاع از منبیس خودتان - منبیس ژاپنی شبه آمریکا کشی، آمریکا کشی علیه ژاپنی، فرانسی علیه بریتانیای و غیره - ادامه بدهید. آقایان، نوالبه‌های انترناسیونال دوم و دوونیم، خرده بورژوازی یا سیفینک و سفلیگان بی فرهنگ سراسر جهان، به "ظفره رفتن" از این مسئله که چگونه باید با جنگهای امپریا - لیستی مبارزه کرد با انتشار "بیانیه‌های بال" (جدید) (طبق الگوی بیانیه سال ۱۹۱۲) (۳) ادامه دهید. نخستین انقلاب بلشویکی، اولین صد میلیون مردم زمین را از جنگال جنگ امپریالیستی و جهان امپریالیستی بیرون آورده است. انقلابات بعدی بقیه نوع بشر را از چنین جنگها و از چنین دنیاکی نجات خواهد داد.

آخرین، ولی مهمترین و مشکلترین وظیفه ما وظیفه‌ای که در موردش کمترین کار را انجام داده‌ایم، پیشرفت اقتصادی است. بی افکندن

بنیادهای اقتصادی برای بنای جدید سوسالیستی بر جای بنای ویران شده مژودالی و بنای نیمه ویران شده سرمایه‌داری است. در همین مهمترین و مشکلترین وظیفه است که ما بزرگترین تعداد شکستها را متحمل و بیشترین اشتباهات را مرتکب شده‌ایم. چگونه کسی میتوانست انتظار داشته باشد که وظیفه - ای چنین نویی برای جهان بدون شکستها و بدون اشتباهات متوانست آغاز شود! ولی ما آنها آغاز کرده‌ایم. ما آنها ادامه خواهیم داد. همین حالا ما بسا... اقتصادی جدید خود مشمول تصحیح باره - ای از اشتباهاتمان هستیم. ما می‌موزیم که چگونه به برپائی بنای سوسالیستی - کشوری مرکب از دهقانان جز، بدون ارتکاب چنین اشتباهاتی ادامه دهیم.

مشکلات عظیم هستند: ولی ما به پنجه - افکندن با مشکلات عظیم "کله‌ش" خوگرفته ایم. دشمنانمان بدون جهت ما را نماینده یک "سیاست یکدنده" نمی‌نامند. ولی ما همچنین، حداقل تا حدی، هنر دیگری را که در انقلاب ضروری است آموخته‌ایم، یعنی انعطاف‌پذیری، توانائی انجام تغییرات سریع و ناگهانی تاکتیکی، در صورتیکه تغییر در شرایط عینی آنها بطلد، و انتخاب راه دیگری برای دستیابی به هدفمان، اگر راه قبلی در لحظه معینی نامناسب و بسا ناممکن بنظر برسد.

ما که در اوج نور و آسپای زاده شده، نخست شور سیاسی و سبب شور نظامی مردم را بیدار کرده بودیم، انتظار داشتیم وظایف اقتصادی را به سنگینی وظایف سیاسی و نظامی که مستقیماً با نیکه به این شور انجام داده بودیم، بسا... برانیم. ما انتظار داشتیم با بنای حتمی ترانست که بگوئیم خود جرات میدادیم بدون آنکه ملاحظه کافی در مورد آن کرده باشیم، که بتوانیم توند، دولتی و توزیع دولتی محصولات را طبق اصول کمونیستی مستقیماً آنطور که دولت پرولتاریائی دستور میدهد در کشوری مرکب از دهقانان جز، سازمان دهیم. تجربه ثابت کرده است که مادران شاه بودیم. معلوم میشود که تعدادی مراحل گذار - سرمایه‌داری دولتی و سوسالیسم برای آمادگی - آمادگی با سالیان متعددی کوشش، گذار به کمونیم لازم بوده است. ما - نه مستقیماً با نیکه بر شور، بلکه بکمک شوری که حاصل انقلاب بزرگست ویرانمان نفع شخصی، انگیزه شخصی و اصول تجاری - باید ابتدا در این کشور دهقانان جز، برای ساختن سربل‌های استوار بسوی سوسالیسم از راه سرمایه‌داری دولتی دست‌بیکار شویم. در غیر اینصورت ما هرگز به کمونیم نخواهیم رسید، هرگز گروههای منلیوسی مردم را به کمونیم راهبر نخواهیم شد. این آن چیزی است که تجربه، جریان عینی نگامسل انقلاب، بسا آموخته است.

و ما، که در طول این سه یا چهار سال ایجاد تغییرات شد، در جنبه را (موقعی که تغییرات شدید جنبه مورد نیاز است) بسا آموخته‌ایم، مشتاقانه، بدقت و با پشتکار (هر چند هنوز نه حد کافی مشتاقانه، بدقت و با پشتکار) آموختن ایجاد یک تغییر جدید جنبه یعنی سیاست اقتصادی جدید را آغاز نموده‌ایم. دولت پرولتاری باید یک "سوداگر" محتاط، با پشتکار و بزرگ، یک تاجر عمده فروش دقیق شود در غیر اینصورت هرگز در اینکه، این کشور دهقانان جز، از لحاظ اقتصادی روی پای خود ساستد توفیق نخواهد یافت. تحت شرایط موجود، که ما در کنار غرب کابینالست (مادام گسه کابینالست باشد) زندگی می‌کنیم، راه دیگری برای پیشرفت بسوی کمونیم وجود ندارد. تاجر عمده فروش یک سبب اقتصادی منظمی - رسد که از کمونیم به اندازه آسمان نشا زمین بدور است. ولی این یکی از تضاماتی است که در زندگی واقعی از یک اقتصاد دهقانی جز، از طریق سرمایه‌داری دولتی به سوسالیسم منتهی میشود.

انگیزه شخصی، تولید را بسا خواهد برد ما باید ابتدا قبل از هر چیز و سبب صنعت تولید را افزایش دهیم. تجارت عمده فروشی از لحاظ اقتصادی منبوسها دهقان کوچک را متحد می‌کند: به آنها انگیزه شخصی میدهد، آنها را بهم پیوسته می‌کند و به قدم بعدی یعنی به انکال محتلد، بدع و اتحاد در خود پیرویه تولید راهبری می‌کند. ما هم اکنون تغییرات لازم را در ساست اقتصادی خود آغاز کرده‌ایم و تا کنون باره‌ای موفقیتها بسف خود داشتیم، در حقیقت بسسین موفقیتها کوچک و جزئی هستند ولی بسا این همه موفقیت هستند. ما اکنون در این میدان "آمورش، جدید در حال انجام کلاس‌های خود هستیم. ما مطالعه مداوم و مداوم با کتب تحریره عملی از آزمون هر قدمی که بر میداریم، بسا و اواهمه نداشته‌ایم از بکرات بقیه در صفحه ۱۴

(۳) - بیانیه سال ۱۹۱۲ - بیانیه‌ای در باره جنگ بسوی که توسط کنگره موی العاده انترناسیونال دوم که در سال برگزار شد، بسا... آنرا نمودند. بسا... اهداف غارت - گزاره جنگ امپریالیستی را که مقدمه‌ای در آن زمان آماده میشد، خاطرنشان ساخت و بسا... لستهای تمامی کشورهای مبارزه‌ای ماطع علیه جنگ مراخواند. بیانیه سال ۱۹۱۲ قطعنامه کنگره انترناسیونال دوم را که در ۱۹۰۷ برگزار شده بود، مورد تأکید قرار داد.

قطعنامه مسور بسا به پیشنهادی - لیس و ر. لوبکرا مسورک اظهار میداشت که در صورت وقوع جنگ امپریالیستی سوسالیست هاناید از بحران اقتصادی و سیاسی ناشی از جنگ برای تدارک انقلاب سوسالیستی بهره گیرند.

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

(۲)

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

ب - تیمسار مدنی و
کشتار خلق عرب

پس از قیام نکره‌بند سیم ماه ۵۷ خلق عرب نیز مانند سایر خلقهای ایران در ابتدا امید داشت که دولت موقت با صلاح انقلابی به خواسته‌های ملی اش پاسخ مثبت دهد. دولت در ابتدای امر وانمود می‌کرد که خواست خلقها را در نظر خواهد گرفت، لکن جریان زندگی خیلی زود نشان داد که جنس نیت و رژیم کبونی نه می‌خواهد و نه می‌تواند خواست عادلانه آنها جواب مثبت دهد. از طرف دیگر کارگران و زمینکنان خلق عرب که انتظار داشتند دولت در مورد تعطیل عناصر مرتجع و سربریده رژیم مزدور شاه و معادله اموال سرمایه‌داران و استیفاء اقدام کند، وقتی با بی تفاوتی و حتی در موارد بسیاری حمایت دولت موقت از آنها مواجه شدند و از مراجعات مکررشان به کمیته‌های امام نیز (که اغلب در دست مرتجعین فارس بود) نتیجه‌ای نگرفتند، خود دست‌بیکار شده و فریاد اعتراضشان را به صورت کم کاری و اعتصاب... بلند کردند. (مثلاً در خرمشهر با وجودیکه بیش از ۸۰٪ جمعیت آنرا عربیاً تشکیل می‌دهند، بیشتر کمیته‌ها در دست فارسیها و اعراب مرتجع قرار می‌گیرد و اینها بجای حمایت از کارگر و زمینکنان، حقوق آنها را نادیده گرفته و مسائل را به نفع اعراب تروتمند و جمعیت غیر عرب تمام می‌کنند)

پس از تشکیل "کانون فرهنگی خلق عرب" و... که بنیانگذاران آن روشفکران انقلابی و چپ‌تر از زمانیان سیاسی عرب بودند، بیعت افشارکوبی گسترده‌ای که در ساراه سرمایه‌داران وابسته و عناصر مرتجع وابسته به رژیم خائن شاه می‌گردد، مورد توجه و حمایت خلق عرب خوزستان قرار گرفت. اما از سوی دیگر سرمایه‌داران وابسته و عناصر مرتجعین که هدف حمله و افشاکاری قرار گرفته بودند و بدین ترتیب منافع خود را درخطر می‌دیدند، دست به توطئه زدند و مرتباً با پخش اعلامیه و... اعضا کانون را به ضد انقلابی، تجزیه طلب، وطن فروش... متهم نمودند. اینها همچنین در مقابل خواسته‌های بحق خلق عرب شایع کردند که عربها می - خواهند خوزستان را تجزیه کرده و به عراق ملحق نمایند! و این فریب را تا آنجا که در توان داشتند در سوق و کرنا دمیدند. با ورود تیمسار مدنی بعنوان فرمانده نیروی دریایی و استاندار خوزستان، عناصر مرموقور جان نازهای گرفتند و توطئه‌ها در سطح وسیعتری گسترش یافت. مدنی با رهاطی سخنرانیهایی تحریک آمیز به خلق عرب ناخفت و آنها را تجزیه طلب و ضد انقلابی معرفی نمود و تحقیر کرد، و به این ترتیب کوبید

تا زمینه را برای سرکوب خویش خلق عرب آماده نماید. وی از همان آغاز ورودش به خوزستان زمینه طعج بلاج را شروع کرد و زمینه سرکوب را آماده نمود. سرانجام نیز با وجودیکه طی نشستی ۶ ساعت در شب ۵۸/۳/۸ با حضور نماینده آیت‌الله خانی و نماینده حوزه علمیه قم توافق می‌کنند که تا روز پنجشنبه ۵۸/۳/۱۰ به کانون فرهنگی خلق عرب و سازمان سیاسی خلق عرب مهلت دهد تا مکانهای خود را تخلیه کنند و سلاحهاشان را تحویل دهند (کانون فرهنگی خلق عرب املأً ملحق نبود) در نامداد چهارشنبه ۵۸/۳/۹ (ساعت ۳/۴۰) طی یک محصله سازی از پیش برنامه ریزی شده (۱)

اینجست مدنی جلاد طی یک دوره جلسات مخفی و علنی با شیوخ مرتجع محلی، اعتصاب و همکاری آنان را بخود جلب می‌نماید و پس از آن، بگنجه بندها، اعدای بی درستی و... آغاز میشود و مدها تن در زندانهای مدنی زیر شکنجه های روحی و جسمی قرار می - گیرند.

عبدالرحمان الحاوی کارگر اداره بندر خرمشهر، جاسم سیاح حسینی دبیرمجلس کار محمد صفریان کارگری خنمانی و دارای ۵ فرزند و ۲ برادر و خواهر تحت تکفل در ساعت ۵ و پانزده دقیقه روز یکشنبه ۲/۲۴ / در منزل عبدالرحمان الحاوی دستگیر و با چشمهای بسته به مرکز پاسداران برده می

● مدنی جلاد حمله به کانونهای مترقی خلق عرب را با استفاده از نیروهای ورزیده ارتش، گارد جاویدان و... آغاز کرد و در عرض یک حمله بیش از ۲۰۰ نفر را قتل عام نمود.

● مدنی جلاد برای آنکه نمایش جلادمنشی اش رعب و وحشت بیشتری ایجاد کند، چندتن را که در کناره رسینما تاج و محل مسکونی مجا و ورشرو پور رفت و آمد است به سبک قزاقان روسی در جنبش مشروطه به جوخه مرگ می سپرد.

(شیراندازی از داخل بیکان سفیدرنگی که براحتی میتوانستند رد آنها بگیرند) حمله خود را بوسیله گماندوهای نیروی دریایی پاسداران اعزامی از سایر شهرها و افراد لمپن و ناآگاهی که توسط ناخدا خوشنام (فرمانده پایگاه دریایی) ملحق شده بودند آغاز می‌کند. و کشتار خلق عرب استیجین آغاز میشود!! و مدنی طی این کشتار نشان داد که از دژخیمان آریامهری هیچ کم ندارد. به خلاصه‌ای از گزارش "گروه تحقیقات جمعیت دفاع از خلقهای ایران" را که در رابطه با کشتار خلق عرب نوشته شده توجه کنید و ببینید تنها گوشه‌ای از جنایات این جلاد خلق عرب تا چه حد تکان دهنده است.

"مدنی جلاد حمله به کانونهای مترقی خلق عرب را با استفاده از نیروهای ورزیده ارتش، گارد جاویدان و... آغاز کرد و در عرض یک حمله بیش از ۲۰۰ نفر را قتل عام نمود. اما از آنجا که سرکوب مستقیم مبارزات مردم ابراری کشته شده بود مردم عدم کارآئی آنها در رژیم سابق ثابت نموده بودند، مدنی و همدستانش طرح توطئه جدیدی را می‌ریزند و بر آن میشوند که رعب و وحشت آریامهری را بر سرآمر منطقه حاکم کنند. از

(۱) - طبق خبری هوشی، طرح حمله در همان شب ۵۸/۳/۸ در جلسه‌ای با حضور مدنی، ناخدا خوشنام و چند تن از ابرار مرتجع و... ریخته شده و مورد توجه قرار می‌گیرد (نقل بمعنی از گزارش فاجعه خرمشهر گروه باران حیدرعمو و علی)

شوند. اتهام آنان ظاهراً برنا بارتجک در مسجد جامع خرمشهر بود، در صورتیکه شدت و شاع انفجار بجای بوده که تنها از عهده بمب نیرومندی برآمده که از قبل در آنجا کار گذاشته شده بود. در این راه پای عبدالرحمان الحاوی با گلوله‌ای که یکی از پاسداران تلک می‌کند رخمی میشود. در مقر پاسداران دستگیر شدگان بوسیله تکنجه گر با سابقه اعزامی از تهران مورد شکنجه قرار می‌گیرند، اما بیعت وضع وحتم عبدالرحمان الحاوی وی را به بیمارستان برده و مدتی ۳ ساعت تمام تیم جراحی برای خارج نمودن گلوله از پای وی تلاش میکنند. کمر از شک ساعت خروج مجروح از اطاق عمل گذشته که پاسداران به دستور مدنی جلاد و احضار کتبی دادستان خرمشهر به سپاهت سنگدما بد مجروح را فوراً به بیمارستان نیروی دریا - ئی منتقل کنند به بازدا نگاه - ده و در حالت اغله همراه دو تن دیگر از دستگیر شدگان در ساعت ۹ شب همان روز شیراران میکنند. قابل ذکر اینکه حتی در موقع تیراندازی لوله سرم هنوز در پای عبدالرحمان الحاوی قرار گرفته بود.

بعد از این واقعه در مدتی کمتر از ۲۴ ساعت جمیل بهرانی سور و عباس سیاوی به اتهام رابطه با سه نفر یاد شده شیراران می - شوند.

چند روز بعد مدنی جلاد برای آنکه نمایش جلاد منشی اش رعب و وحشت بیشتری ایجاد کند، چند تن را در کنار هم با نا

این دو جناح در یک چیز مشترکند و آن سرکوب نیروهای خلقی به بهانه اینکه فاجع اخیر بدست آنها انجام گرفته است. این وضعیت در خرمشهر بعدی است که حتی جلو مدارس دانش آموزان را تفتیش بدنی کرده - اند و از این کار خود دو هدف را دنبال میکنند، یکی اینکه عاملین انفجارها و حوادث را از دید توده‌ها بی‌گناه و بی‌گناهان را عامل های انقلابی و مبارزان خلق عرب را عامل آن بدانند و از سوی دیگر بخت کنندگان اعلامیه و ... را شناخته و دستگیر کنند.

وقتی که نوکر سرسپرده امپریالیسم آمریکا و رئیس دفتر ویژه شاه جلاد در امور

بسته‌های حاسن قرار دارند، مانند "آملی" معاون فعلی مدنی و "زرگر" دادستان آبادان! که بتازگی بر کنار گردید و با اینکه برونده ساواکی بودند، مجدداً در دادگستری ابقا شد. بدون تردید عاملین این اقدامات هدفی جز زمینه سازی برای سرکوب جنبش توده‌ای، و بسوی سرکوب خلق عرب و جنبش کارگری خوزستان و براه انداختن موج اعدام و ترور انقلابیون را ندارند. همچنانکه شاهد بودیم بلافاصله بعد از حادثه انفجار قطار، ۸ تن از فرزندان خلق عسربه جوخه آتش سپرده شدند. اما آنچه که این روزها موجب تشدید جنبش جناباتی شده،

که محل مسکونی مجاور شهر و بر رفت و آمد است به سبک قزاقان روسی در جنبش مشروطه به جوخه مرگ می سپرد.

تیمسار مدنی در پی اعدامهای اخیر بدنبال اجرای طرحی است که بتواند از یک طرف افکار عمومی مردم را بر علیه خلق عرب تحریک کرده و از طرف دیگر و بدنبال زمینه - چینی فوق موقعیت خوبی را برای کشتار آنها بدست آورد. زیرا اینها بتمور خود تنها زمانی میتوانند به نقشه شوم خود که به لوث کشیدن مسئله حقوق خلقها و باهمسال کردن آن است موفق شوند که قبل از هر چیز افکار عمومی را با توطئه چینی و طرحهای رنگارنگ بر ضد خلقها بسج نمایند.

آری، در چنین شرایط حساسی که ما - باالیمتسار در رند اجنبش توده‌ای نابودی جدی و قاطع منافع خود را می بینند، سعی می - کنند نه از طریق عوامل آشکار و نهان خود در بسیاری از ارگانها و محافل هیئت حاکمه

نفوذ کرده و مسئولیت های حساسی را بعهده گرفته‌اند، زمینه را برای تحریک افکار عمومی و آماده سازی آن برای سرکوب جنبش رو باعلائی توده‌ای آماده نمایند در ضمن تحریک افکار عمومی و ایجاد جنگ روانی دست بکشتار و سرکوب جنبش توده‌ای بزنند.

همچنانکه در کردستان همین عوامل و ابادهی آشکار و نهان امپریالیسم از قماش سرتیب ولی الله فلاحی، سولنگر شاکرو... با ایجاد زمینه مناسب و تحریک افکار عمومی بر علیه خلق کرد (اعلام اینکه در پساوه پاسداران را سربریده‌اند و مادر سنجیدگان را بگروگان گرفته‌اند) البته نه از پاسداران سربریده خبری بود و نه از زنان گروگان گرفته شده ()، بهانه و محصل مناسبی برای هجوم و حمله هیئت حاکمه به سرتاسر کردستان ایجاد کردند و در یسورش و حمله به پاسداران و ارتش ضد خلقی دست آنتار و سرکوب خلقی کردند. زده شد،

رزم فاشیستی شاه نیز وقتی با جنبش سرتا - سری مردم مواجه شد برای منحرف کردن مسیر مبارزه و متهم نمودن مبارزین بکشتار خلق، مینما و کشتار آبادان را به آتش کشید. و اکنون همین عوامل و ابادهی سرسپرده امپریالیسم و دشمنان خلق و طبقه کارگر در خوزستان موج انفجار و خوابکاری را به راه انداخته‌اند تا زمینه را برای ایجاد یک جنگ برادرکنشی در گوشه‌های دیگر از خاک میهنمان آماده کنند. در یکماه اخیر ما شاهد اقدامات جنایتکارانه‌ای بوده‌ایم که چند نمونه آنها ذکر نمیکند: انفجار رمب در بازار خرمشهر، انفجار دکل مخابراتی خرمشهر و ... و انفجار در قطار مخابراتی خرمشهر - تهران که سی شایسته فاجعه سینتارکنی آبادان نبود و بی شک دستهای آلوده و تجربه‌اندوخته آنان که فاجعه "مینما رکس" را آفریدند در این حادثه و حوادث مشابه آن نیز بکار آمده است. چرا که بسیاری از آن موجودات که در آن زمان در دستدار امور بودند، هم اکنون نیز در

● **دو جناح (مدنی و چمران) در منطقه برای خود را روسته‌های فالانتر، مخفی و غلنی درست کرده و با حمله به قلمرو دیگری به وحشیانه‌ترین جنایات دست می زنند تا حاکمیت جناح خود را تثبیت کرده و جناح مقابل را از صحنه بدر کنند.**

مستشاران نظامی، یعنی تیمسار شاکری مقام فرماندهی کل ستاد ارتش جمهوری اسلامی انتخاب میشود، وقتی که تیمسار ولی الله فلاحی قاتل دهها نفر از مردم مبارز شیراز در روزهای قبل از قیام، به مقام فرماندهی نیروی زمینی انتخاب میشود و بستوان یکی از عوامل سرکوب خلق کردیم منطقه اعزام میگردد. آیا جز این میتوان انتظار داشت که هر روز در گوشه‌ای از خاک میهنمان با توطئه چینی همین عوامل سرسپرده، جنگ برادرکنشی راه افتاده و خلقهای قهرمان وطنمان مسوود کشتار و سرکوب قرار گیرند؟

ما منتقدیم همچنانکه توطئه های امپریالیستی رژیم شاه خاش نه تنها نتوانست هیچگونه مانعی در برابر پیشرفت جنبش توده‌ای ایجاد کند، بلکه ماهیت ضد - خلقی خود را آشکارتر نمود، توطئه‌های ضد - خلقی عوامل وابادی ارتجاع و امپریالیسم از قبیل آتش زدن اماکن عمومی و انفجار قطار مسافری و بازار و ... هم نخواهد توانست سدی در برابر پیشرفت جنبش رو به اعتلائی توده‌ای ایجاد کند و این اقدامات هر چه بیشتر ماهیت عوامل آنها در پیش توده‌های مردم فاش و برملا ساخته و نابودی آنان را تسریع خواهد کرد. ادامه دارد

بالا گرفتن تعدادی است که بر سر اعمال حاکمیت، بین جناحهای مختلف مسئولین محلی و پشتیبانان آنان در هیئت حاکمه وجود دارد. یک جناح را مدنی و برخی عوامل سرسپرده رژیم مزدور شاه و عناصری از روحانیت مرتجع تشکیل میدهند و جناح دیگر را بخش دیگر و تقریباً قوی روحانیت مرتجع محلی که بطور ضمنی از چمران حمایت میکنند و بدون شک چمران نیز از آنها.

هر یک از این دو جناح (مدنی و چمران) در منطقه برای خود داروسته‌های فالانتر، مخفی و غلنی درست کرده و با حمله به قلمرو دیگری، به وحشیانه‌ترین جنایات دست می زنند تا حاکمیت جناح خود را تثبیت کرده و جناح مقابل را از صحنه بدر کنند.

چیزی که برای هیچیک از این دو مطرح نیست و هر دو بنحوی در آن شریکند، خون سیگنا هائی است که بدست عوامل مزدورشان ریخته میشود.

البته بررسی اینکه در انفجارها و آتش - سوزیهای اخیر، جناح طرفدار چمران تا چه اندازه نقش داشته است، مطلبی است که احتیاج به گذشت زمان و روشن پاره‌ای مسائل پشت پرده دارد. ولی با توجه به حملات متقابل که میشود، این جناح هم از انجام این قبیل عملیات چشم پوشی نمیکند.

بقیه از صفحه ۱۴

چهار زمین جشن ...

تغییر دادن آنچه قبلاً شروع کرده‌ایم. با تمحیح اشتباهاتمان و با تجزیه و تحلیل اهمیت آنها با بیشترین دقت، ما به کلاسه‌های بالاتر خواهیم رفت. ما تمام "نوره" را طی خواهیم کرد. گرچه وضع فعلی اقتصاد جهانی وسایست جهانی این دوره را بسیار طولانی تر و بسیار مشکلتر از آنچه ما دوست میداشتیم ساخته است.

بهم نیست که دوره گذار به چه قیمتی و مشکلات این دوره تا چه حد سخت ممکن است باشد - علیرغم بدبختی، قحطی و خرابی - ما شانه خالی نخواهیم کرد، ما پیروزمند - انه امر خود را به مقصد خواهیم رسانید.

۱۴ اکتبر ۱۹۲۱

شماره ۲۴۴ پیراودا

۱۸ اکتبر ۱۹۲۱

به امضا: ن، لنین

کلیات آثار - جلد ۳۳ صفحات ۵۹ - ۵۱

اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها و استعفای بازرگان

● دولت بازرگان که با تمام خیانت‌پیشگی‌ها بیش‌مدت ۹ ماه موردتأکید و حمایت کامل جناح روحانیست قرار داشت اینک وجودش جزآسیب رساندن بیش از پیش به موقعیت جمهوری اسلامی و جزجری ترساختن مردم حاصلی نداشت.

● دودیدگاه انحرافی که دربرخوردها حرکات جدید هیئت حاکمه خود را نشان می‌دهد

و همه حرکات رژیم نانی از سیاست امپریالیستی است! (در حقیقت به حشمت مبارزاتی توده‌ها که چنین عقب‌نشینی راه حناج‌های هیئت حاکمه تحمیل کرده و آنها را محصور ساخته که درانطق با موج ضد امپریالیستی توده‌ها پیش‌روند. البته نه ازیک موضع انقلابی، بلکه کاملاً درجهت تثبیت خویش - کم بها میدهد. دیدگاه دیگر کم است این حرکت را از موضع ضد امپریالیستی و نا کم و بیش انقلابی بخش‌های رژیم تصورمینما بدینوعی دیگرما هت این حرکات را جدا از مجموعه حرکت کلی سیستم سرمایه‌داری وابسته در نظر می‌گیرد.

اما بعد از این مطالب کلی بدینصورت برای برخورد منحصربا مسائل نگاهی کوتاه بر منطق بازرگان در رابطه با استعفاست بیافکنیم: آقای بازرگان درخبرانیسی خدا حافظی خود منگوید: "... یکی تضاد بین سازندگی است و استقادو تضاد دیگر ایست که بین خواست‌ها به لحاظ خدماتی که باید دولت انجام بدهد از قبیل تامین آب و برق و ما محتاج مردم و امنیت و دفاع از مملکت و از طرف دیگر این فکر بود که این دستگاه‌هاشی که باید این خدمات را انجام بدهد ظرف می‌گردند و یا تمصف می‌گردند و می‌کنند از یک طرف ارتش چون ظ غوثی است و امپریالیستی، باید از سن برود. همچنین دستگاه دولتی چون دستگاهی است مسموم و ساخته و پرداخته نظام ظ غوثی مطرود است و مسموم و باید برود."

بازرگان با منطق بورژوازی و درچارچوب پیش‌فدخلفی خود نمیتواند هم ضرورت دفاع از امنیت - امنیت سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم - را تحمل کند و هم نوعی موج اعتراضات وسیعی را که خواهان نابودی ارتش فدخلفی و سروروندن دستگاهی دولتی هستند، فروستانند که در ضمن با شیوه‌های جناح روحانیست هم تضادی ندارد باشد. این تضادی بود که حداقل، انعکاس آن در دیون هیئت حاکمه میبایست تخفیف داده میشد. نباید کارآمدت بازرگان‌ها مانعاً که تسارع از مزاحمت‌های جناح روحانیست - کام به کام - خود را در جهت تثبیت و استحکام کام به کام سرمایه‌داری وابسته و ضرورتاً سلطه امپریالیسم به پس‌برند و نا استکد می - بایست روحانیت با تمفه کردن همه امور

از موج عظیم ضد امپریالیستی توده‌ها، اما درجهتی دیگر، درجهت حفظ منافع و تثبیت سیستم حاکم انجام شد.

حال که بررسی مسئله را بدینجا کثاندیم بد نیست که با دودیدگاه انحرافی که دربرخورد با حرکات جدید هیئت حاکم خود را نشان می‌دهد، برخوردی مختصر بنماشیم. بر طبق یک دیدگاه که برخوردی مطلق‌بینانه و مکتبی ناقصاً دارد همه این سیاست‌ها و کسوفی - های هیئت حاکمه نانی از یک سیاست واحد امپریالیستی است. این دیدگاه میباید منطقت نظرات و سیاست‌های حناج‌های مختلف هیئت حاکمه اعم از جناح خرده بورژوازی و روحانیست - که خود نیز طبقه‌های مختلفی را در بر دارد - جناح بورژوازی وابسته و بورژوازی لیبرال تفاوت چندانی فائیل نمینود و چون همه جریان‌های درونی قدرتهای حاکم را مستقیماً به سیاست‌های امپریالیستی وصل میکند، طبیعتاً از درک پیچیدگی‌های نا همگونی‌های حرکت هیئت حاکمه و حناج‌های مختلف آن عاجز و ناتوان معاند.

دیدگاه انحرافی دیگر ناقصاً نشدن تضادی ماهوی و اساسی میان سیاست و خط منی بخش‌های متناوب رژیم (خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی) و تکیه‌ساز بر اختلافات آنان، بیبوند اساسی میان این دو بخش را منکر می‌گردد. بر طبق این نقطه نظر کژنگی بخش‌های هیئت حاکمه میتواند محسوس کردی انقلابی جدا از منتهیات نظام سرمایه‌داری وابسته و جدا از مجموعه حرکت هیئت حاکمه در این نظام که بدون هیچ تردیدی فدخلفی و نه‌باید در جهت منافع امپریالیسم است داشته باشد. این گونه برخورد ناقصاً در عمل چیزی نیست جز افتادن بدام توهم‌ساخت خرده بورژوازی.

بنابراین برای شناخت صحیح و روشن از سیاست‌های نا همگون و بظاهر کج گنده هیئت حاکمه باید همواره ملزومات کلی نظام سرمایه‌داری وابسته و تناقضات درونی آن را در مجموعه شرایطی که این سیستم را احاطه کرده یعنی در رابطه با عامل اساسی و تسار تعیین کننده مبارزات توده‌ای، تضادهای درونی هیئت حاکمه و موقعیت هر یک در نزد توده‌ها و... مورد نظر قرار داد. نقطه نظری که در حرکت ضد امپریالیستی هیئت حاکمه توطئه‌های پشت‌برده امپریالیسم را می‌بیند (تنها بجز اینک نظام سرمایه‌داری وابسته است

سرانجام بعد از ۹ ماه کثاکت‌های درونی قدرتهای حاکم، بازرگان محصور به استعفا شد و این جریان متعارف بود تا یک حرکت وسیع ضد امپریالیستی از سوی مردم و حرکتی از طرف هیئت حاکمه که سرغلیه آمریکا و درهما - هت کردن خود نا این موج عظیم اعتراضات ضد امپریالیستی انجام شد. استعفای بازرگان را با بدقیل از هر چیز محمول ننادها و نتاقتات کم و بیش خادو وسیعی دانست که رژیم جمهوری اسلامی را زهرسو درمخامره خود گرفته بود. تضادهاشی که خود ریشه در عمق بحران‌های سیاسی و اقتصادی جامعه داشت و رشد بیش از پیش حرکات اعتراضی مردم آن را پیوسته دامن میزد. طبیعتاً این وضع نمی - توانست مدت درازی دوام بیاورد و اجباراً میبایست برای نجات آن چاره‌ای اندیشیده شود. چرا که با وارد شدن حشمت مبارزاتی توده‌ها به یک مرحله نرسیدن از اعتلائی خود و با آشکار شدن افتخارات درونی رژیم مخصوص در کابینه بازرگان، موقعیت کلی جمهوری اسلامی حتی مستعدترین و برقدرت‌ترین عصر آن یعنی آیت‌الله خمینی سرسری برنشست و مبرفت. بعلاوه اختلافات میان قدرتهای حاکم و دعواهایی که بر سر مسائل و شیوه‌های حکومت میان جناح روحانیست و کابینه آقای بازرگان روی میداد خود عاملی بود که موقعیت هیئت حاکمه را بیش از پیش متزلزل ساخت. بدین ترتیب دولت بازرگان که با تمام خیانت - پیشگی‌هایش مدت ۹ ماه موردتأکید و حمایت کامل جناح روحانیست قرار داشت اینک وجودش جز آسیرساندن بیش از پیش به موقعیت جمهوری اسلامی، و جز حرکت ترساختن مردم حاصلی نداشت. بخصوص که پاره‌ای اقدامات توطئه - آمیز این جناح که نشانی آشکار از هماهنگی و تطابق کامل آن با سیاست‌های امپریالیستی داشت، چهره رنگ و رو باخته جمهوری اسلامی را در نزد مردم بد منظر میساخت. از سوی دیگر این واقعیت را نیز باید دید که جناح روحانیست حاکم و شورای انقلاب علیرغم آنکه نقش‌ها انقلابی خود را در این ۹ ماه یکسرات بشیوت رسانیده بود با اینحال منافع ملی و مستقیم در حفظ سلطه امپریالیسم آمریکا در ایران نداشت (البته منتهای برخی عناصر متکوک). کج‌ه سازش آشکار و حمایت بیدریغ این جناح از کابینه بازرگان و عملکردهای دیگری چون حملات جنایتکارانه به خلق کرد، سرکوب دستاوردهای انقلاب و... بیبوند این جناح را با بورژوازی و پیوند غیر مستقیمش با منافع امپریالیسم نشان میدهد، لیکن این معنای جوش خوردگی مستقیم و کامل این جناح با امپریالیسم نبوده نیست. همین مسئله یعنی نداشتن منافع مستقیم در حفظ سلطه آمریکا با ضافه ویژگی‌های جناح روحانیست متروعه طلبی و شیوه‌های انحصار طلبانه‌اش، تضاد دوی را با جناح بازرگان با بورژوازی لیبرال‌ها در عین داشتن خطوط مشترک حفظ میتمود و همین امر نیز موجب کثار و گذاردن بازرگان از صحنه عمل و آغاز یک سلسله حملات ضد امپریالیستی هیئت حاکمه گردید. حملاتی که بتبعیت

گام پیروزمندان کارآموزان مراکز حرفه‌ای

مذاکره با متحصنین شدند. در جلسه ای با نمایندگان کارآموزان و دو نماینده مذکور، نمایندگان کارآموزان به تشریح خواسته‌های برحق خود (کدرا، نجله، مستوان، به‌پاکسازی محیط آموزشی از افراد طاعونی و غیرمستول و تضمین کار بعد از پایان دوره آموزشی و در صورت عدم توانایی برای ایجاد کار دادن حق بیمه بیکاری، اشاره کرد) پرداختند که مورد تأیید دو نماینده انجمن قرار گرفت. در این جلسه قرار بر این شد که برای تأمین خواسته‌های کارآموزان - خود کارآموز - آن به مراکز خود رفته و سه نفر از مرسان منتخب خود را به وزارت کار معرفی کنند تا یکی از آنها بوسیله وزارت مستولان رئیس مراکز زیر نظر شورای کارآموزان، مسئول بکار شود. در ضمن قرار شد که از هفته بعد یک هیئت از وزارت کار به مراکز آموزشی برای پاکسازی سرود و با همکاری شورای کار - آموزان این کار را انجام دهد. کلبه خواست - های کارآموزان مورد تأیید قرار گرفت ولی نمایندگان خواستار ضمانت کتبی شدند که چون وقت اداری تمام شده بود این کار در روز شنبه ۱۹ آبان موکول شد. بعد از اتمام جلسه مشترک نمایندگان شورای هماهنگی کارآموز - ان به میان کارآموزان آمدند. جریان مذا - کرات را بازگو و بررسی کردند. کارآموزان خواستار بازگشت به مراکز و انجام این امور شدند و گفتند اگر کوتاهی شود دوباره وزارت کار آمده و تخصص میکنند. چون به این حقیقت پی برده بودند که تنها با اتحاد و تشکیل و یکپارچگی و اتکاب نیروی خود نمیتوانند به خواسته‌شان برسند و این اتحاد و نیروی خود آنان بود که آنها را به همین پیروزی مختصر رساند. بعد از سه روز تصمیم وزارت کار را در مقابل اراده‌شان عقب راند.

بقیه از صفحه ۲ مذاکرات ...

تعبیر سرزشت را برعهده خود آنها واگذارند. باید نشان داد تا زمانیکه بورژوازی و قدرت - مندان مذهبی کمونی همچنان برارکده قدرت سوارند، چه خواهد و چه خواهد تنها پنا - منافع امپریالیسم را حفظ خواهند نمود و هر گونه استظاری از رژیم مستی بربریمت نشا - خشی حقوقی حقه، خلق کرد خیالی ناظر مستی نخواهد بود. همانگونه که ما در این رژیم بر علیه آمریکا مبارزه‌ای است نه پدیده پیوم واقعی ضد امپریالیستی خود، سپه‌نکو به نیز دمکرات نمائی آنها در مقابل حقوق مردم کرد جز عقب نشینی سکر به سنگرد در مقابل جنبشی انقلابی کردستان، و جز سیاسی درجهت تشییع موقعیت و چرخشی عوام فریبانه برای تنها جسدی پیش نخواهد بود.

کارآموزان مراکز حرفه‌ای شماره ۱ و ۲ و ۳ وزارت کار و امور اجتماعی در رابطه با خواسته‌هایی که از مدت‌ها قبل مطرح کرده و جوابی نشنیده بودند در وزارت کار در طبقه همکف دست به خصم زدند. بدین ترتیب که در تاریخ دوشنبه ۱۶ آبان ابتدا مراکز شماره ۳ و ۴ و در روز شنبه ۱۷ آبان مراکز شماره ۱ و ۲ به وزارت کار رفتند و متحصن میشوند. در آنجا کوشش زیادی از طرف مسئولین وزارت کار بعمل می‌آید تا تحسین کارآموزان را بدون نتیجه پایان دهد ولی هتباری و مقاومت کارآموزان مانع از اجرای نقشه آنان میشود. مثلاً شخصی نام ابراهیمی که خود را مشاور وزیر اعلام میکرد نقش فعالی در این راه بازی میکرد ولی با تمام "زنگی" و حیل و گریش و غلبه بود برین از ناگشیکهای ساواکی (مثلاً ما حاضریم خواسته‌های شما را برآورده سازیم شرطی که اسامی خود و شماره شناسنامه و اسم پدر - تان را به ما بدهید و ...) نتوانست مقاومت یکپارچه کارآموزان حرفه‌ای را در هم شکند. استدعای وزیر کار دایر بر مهلت دادن برای پاکسازی (که یکی از خواسته‌های متحصنین بود و از نظر خود وزیر هم خواست برحق بود) هم نتوانست تحسین آنان را بشکند تا اینکه یکی از عناصر ارتجاعی و مورد نفرت کار - آموزان یعنی آقای فلاح (معاون مدیر کل وزارت کار) مجبور به استعفا شد و در پی آن تمام روسای مراکز آموزشی استعفا دادند. البته قابل ذکر است که کارآموزان کسرج رئیس مرکز خود را که شخصی نام دانا شکی است قبلاً از مرکز اخراج کرده بودند. در روز پنجشنبه دو نماینده، یکی از نخست‌وزیری و دیگری از کمیته مرکزی سه اتفاق پاراسی معاون وزیر کار خواستار

ناگربیر کنار گذاشته شدن خوش در مسائل حفظ موقعیت و حیات هیئت جا که با اعتراف میکنند در جای دیگر با ناکند بر اینکه او در خط "امام" بوده و هست و خواهی از "امام" در بذل عنایت خوش به همه و نه طبقه و قشری خاص بیبوند درونی میان جناح خود و روحانیت را برای جلوگیری از هرگونه توهم بسمان منتماید. وقتی با اعمال خائنه بازرگان و نقابها و با حسن ترش و "حسن نشی" یاد میشود وقتی با استهمنه سروصدا با زهم عناصری چون جیران حلا، بهشتی و قطب زاده در راس امور با می ممانند، آقای بازرگان حق دارد انتظار بذل عنایت از سوی "امام" را داشته باشد این بذل عنایتی است که نه به بازرگان، بلکه به بورژوازیها و بورژواهای وابسته ای میگردد که حافظ منافع سرمایه داران وابسته و ضرورتاً حافظ منافع امپریالیسم در ایرانند. ■

میدان را بطور کامل بدست میگرفت. تسلط و نفوذ جناح روحانیت هیئت حاکمه بر انجام بازی را منتفع او کامل ساخت و سیاست رژیم بر این قرار گرفت که با کنار گذاشتن بازرگان میدان دادن بیشتر به روحانیت و انطباق دادن ظاهری خود با خواسته‌های انقلابی مردم. بنوعی دیگر از میان رفتن سیستم حاکم را عقب بیاورد.

در جای دیگر آقای بازرگان به "تعدد مراکز تصمیم گیری، تعدد باخواست کردنها و عواملی که عمل میکند" اشاره کرده و نگرانی عمیق خود را از این که قسطهای متفاوت اداری، اجتماعی، سیاسی، دینی و اقتصادی بر مملکت حکم رانند و هرج و مرج ناشی از این چندگانگی قدرت ابراز کرد. آقای بازرگان از این نگرانی و بدترستی نیز نگران است که با اینهمه آقا با لاروسا میدان گرفتن بیش از پیش روحانیت، با سیاستهای سنگ نظرانه و انحمارطلبانه و شیوه‌های سیاسی او راه برای پیشرفت امور و تشییع اوضاع و احوال درجهت حفظ سیستم سرمایه داری وابسته هموار کرد و این مسئله‌ای نبود که با ملاقات وی با برزیل و سبب اشغال سفارت آمریکا مستقیماً مربوط باشد. این اختلافی بود که از همان ابتدا در رابطه با چگونگی فرونشاندن بحرانهای جامعه میان دو جناح تصمیم گیرنده در هیئت حاکمه، روحانیت با موقعیت مسلط و در عین حال با شیوه‌های ارتجاعی، کورکورانه و بی‌برنامه‌اش و دولت با موقعیت ضعف و در عین حال با برنامه‌ریزی آگاهانه تر درجهت حفظ سلطه امپریالیسم وجود داشته است. بازرگان خود در اینباره میگوید: "این اواخر گفته شده که اشغال سفارت آمریکا و نت و نتوهای بعد از آن موجب استعفا نده ولی بهیچوجه این صحیح نیست. این مسئله خیلی مسئله قدیمی تر از این زمان اخیر بوده است" چرا که به گفته خود بازرگان او قبلاً نیز با بیش از دویمت وزیر و سفیر ملاقات کرده و هیچ مسئله‌ای نیز پیش نیامده بود.

آری، همانطور که بازرگان خود اعتراف میکند مسئله نه ملاقات وی با برزیل و سبب، بلکه اساساً این بستنی بود که در رابطه با خاد شدن بحرانهای همه جانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیگری جنبش، آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت ضد خلقی هیئت حاکمه و افتخاطاتی در پی دولت گریبان رژیم را گرفته بود و در این رابطه اختلاف میان جناحها، بعداً قضا را بسیار حادتر و همه - جانبه تر ساخت. بازرگان در این باره می گوید: "چون مادر مرحله‌ای رسیده بودیم که میدیدیم بن بست است و دیواری جلوی ما است و ما نمی توانیم جلو برویم و راه از حیرت طرف بسته است و... استعفا من بدنیاال استعفا مگر و متوالی همکارانم نبود". میبینیم که بازرگان در اینجا به ضرورت

- اصل نوزدهم -

در جمهوری اسلامی مردم ایران از هر مردم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و ماسد اسمها... امتیاز نخواهد بود.
سیاست رژیم کمونی در باره "مسئله ملی" در طول چند ماهی که از عمر او میگذرد، بقصدی روشن و واضح است که نیازی به هیچگونه توضیح و بررسی ندارد.

امروز سبب از هر روز دیگر آشکار شده است که سیاست رژیم کمونی در مقابل خلقهای تحت ستم، چهری جز نفی کامل حقوق آنها و لنگر-کشی بر علیه آنها نبوده است. رژیم حاضر در برابر خواست بحق و عادلانه، خلقهای ستمی سر کسب حق خود محاربی، ریشهکن ساختن مینماید - لیسیم و... کارزار تبلیغاتی سرتاپا دروغ و زهرنگ را بر علیه آنها بر راه انداخته است. رژیم کمونی با استفاده از عناوینی چون "تجزیه طلبی"، "مداخلات"، "عامل مهبوسیم" و مد ها نمونه، دیگر سعی کرده است تا اهداف خلقهای تحت ستم را لوث نموده و مردم را نسبت به آنها بدبین سازد.

نمونه های بالا بتدری واضح و گویا هستند که در این مورد جای هیچ شک و تردیدی باقی نمیگذارد که رژیم حاضر به هیچوجه نمیتواند محل نظامی و عادلانه، مسئله ملی دست بزند، نمیتواند برابری کامل و واقعی خلقها را تأمین کند و...

در واقع وقتی "خبرگان" رژیم حاضر در مجلس ادعا میکنند که از نظر آنان مردم ایران از "حقوق مساوی" برخوردارند، کارشان معنی دیگری جز مردم فریبی، تضمین نموده هیا و واژگون نشان دادن واقیعات ندارد. آنها صاف و ساده دروغ میگویند.

آنها دم از تساوی حقوق مردم ایران میزنند، ولی حتی کارهای هم از اینکه مردم ایران شامل چه ملیتهایی هست و اصولاً آنها آنها مقله ای بنام "ملیت" را به رسمیت می شناسند یانه، بر زبان نمی آورند. در واقع آنها وجود ملیتهای مختلف را در ایران که عبارت از فارسی، ترک، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن میباشند، انکار می کنند.

وقتی "خبرگان" رژیم در اصل فوق عبارت "قوم و قبیله" را بجای "ملیت" و "رنگ و نژاد" را در کنار "زبان" و مانند اینها قرار میدهند عدم درک خود را از "ملیت" و "مسئله ملی" رسمی و قانونی میکنند.

به آنها یادگفت: آقایان قوم و قبیله یک چیز است و "ملیت" چیز دیگر، این دو شکل و سطح متفاوتی از روابط انسانی را بیان میکنند. ملت آن روابط انسانی است که تکامل یافته، "قوم و قبیله" بوده و با پیدایش سرمایه داری و بهم پیوستن با زارهای کوچک

نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (قسمت آخر)

ملی بهم، بوجود آمده است. در حالیکه قوم و قبیله مربوط به دوران ماقبل سرمایه داری است. اما تجزیه که در این میان بی معنی بوده و آوردن آن در کنار حقوق خلقها سببها میتواند خنده آور باشد. "رنگ و نژاد" است که هیچگونه ربطی به "قوم و قبیله" و "ملیت" ندارد. جای "رنگ و نژاد" نه در اصل مربوط به حقوق خلقها بلکه در اصل مربوط به "تبعیض نژادی" است!

کند، رادسو گوش کند و... و معنی خبرگان رژیم اعلام میکنند که کتب درسی باید با این زبان باشد و "استفاده از زبان محلی... در کنار زبان فارسی آزاد است." درست به این شبیه است که پرنده های را در قفس آهنین اسیر کرده و بعد برای اوسمه سربازی کند که نتواند غم اینکه باید در قفس سبازی ولی میتواند در کنار "آب در قفس"، "آراده پرواز کبی، اینست مفهوم واقعی آن "آزادی" که خبرگان رژیم ارائه میدهند. آنها این حوصله نمی از مردم ایران را که زبان مادری خلقها باید زبان رسمی آنان باشد و دولت می باید تمام امکانات را در جهت تحقق آن فراهم آورد با وقاحت تمام انکار میکنند، ولی خلقهای ایران را مجبور می سازند به سه اصل ۱۶ اساساً به آموزش زبان عبری از پایان دوره ابتدایی تا متوسطه بپردازند.

● **قراردادن "قوم و قبیله" بجای "ملیت" و آوردن "رنگ و نژاد" در کنار "زبان" تنها رسمیت دادن به عدم درک خود از "ملیت" و "مسئله ملی" است.**

● **حقوق مساوی مردم ایران تنها از طریق تحقق بخشیدن به خود مختاری واقعی امکان پذیر است.**

● **لشکرکشی به کردستان و بستن بدترین تهمتهای "ملیتها" بهتر از هر سندی سیاست رژیم را در این مورد آشکار می کند.**

● **"خبرگان" حق مسلم نمی از مردم ایران را که زبان مادری خلقها با یسد زبان رسمی آنان باشد، انکار میکنند ولی خلقهای ایران را وادار می سازند بنا بر اصل ۱۶، اجباراً زبان عربی یاد بگیرند!**

از طرف دیگر در این اصل حتی کلمه ای هم درباره "چگونگی تأمین حقوق مساوی خلقها" نمیتوان یافت، بخصوص در شرایط کشور ما که این ملیت ها سالهای سال تحت بیم ملی فارسی قرار داشته، از حقوق ملی خود محروم بوده و حتی فاقد حق استفاده از فرهنگ و زبان مادری خویش بوده اند. بدون روشن کردن راه تأمین واقعی حقوق مساوی خلقها، "تقسیم مساوی خلقها" چه معنی میدهد؟

اما آیا سکوت اصل در این مورد سهوی بوده است؟
برای اینکه این امر روشن شود و منظور واقعی "خبرگان" رژیم از عبارت "حقوق مساوی مردم ایران" و همچنین علت سکوت آنان در مورد راه تأمین واقعی این حقوق معلوم گردد، کمی به گذشته برمیگردیم: اصل ستم و یک اعلام میکند که: "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و متون و اسناد و مکاتبات رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد..." معنی واقعی این عبارت برای یک ترکمن، یک ترک، یک کرد و... مثل این است که یک فارس را مجبور کنند تنها از اول دبستان بزبان انگلیسی درس بخواند، بحث

معنی خلاصه اصل نوزدهم چنین میشود: زبان و خط ملیتهای غیر فارس سبهمان اساساً زبان و خط فارسی بوده و آنها تنها "آزادند" که در کنار زبان فارسی از زبان خود نیز استفاده کنند.

آنها در اصل مربوط بدین مذهب رسمی ایران که در شماره قبلی پیکار به بررسی آن پرداختیم، مذهب رسمی ایران را شناسه اعلام می کنند و با اینکار خود مذهب اکثریت ملت های تحت ستم ایران را که غیر شیعه است، از رسمیت می نهند. آنان علاوه بر اینکه قدیمی در جهت اتحاد برادرانه، خلقهای ایران بر نمی دارند، بلکه با دادن زدن به اختلافات مذهبی، هر چه بیشتر حس برتری طلبی (نوسیم) را تقویت کرده و خلقها را نسبت به هم بدبین می سازد.

کمونیستها همیشه از برابری کامل حقوق خلقهای ایران دفاع میکنند، و در این راه نه فقط دفاع بلکه آبرو را می بیند و تضمین نیز می نمایند. یعنی برابری حقوق خلقها را در عمل نیز پیاده می سازند. طرح آنها روشن است: تنها با بی حق تضمین سزوت و در شرایط بقیه در صفحه ۲۱

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

نقدی بر مواضع چریکهای
فدائی خلق در مورد
طبقات و نیروهای
غیر پرولتری

- ۳ -

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی (کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی از مسائل عام "یا تئوریک بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی است که مستقیماً بهیچ وظیفه مشخصی که در لحظه معین در مقابل حزب قرار می گیرد مربوط نمی شود... (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

همیشه بار محرومانند تنزل نخواهند داد. حال نگاهی به بیانیه بیفکنیم: (فدائیان خلق) " جوانانی هستند که بنابه جوهر خود در برابر هر ظلم و ستمی که روا میشود و در هر کجا که حق کثی و زورگویی باشد... به اعتراض برمیخیزند. فدائیان فدائی خلقند" و بنیاد سبب و سرود انترناسیونال را: " رهائی پرولتاریا امروزه پرولترهاست!"

۳ - در ابهام قرار دادن
مرز انقلاب و ضد انقلاب و فرار
از برخورد مارکسیستی با

ما هیت هیئت حاکمه

کمونیستها همیشه طبقات متخاصم را به روشنی تصویر کرده و برخورد های موجود در جامعه را از دید طبقاتی تحلیل مینمایند. حال نگاهی به بیانیه بیفکنیم: "... اما از آنجا که حاکمیت (؟!) بنابه ماهیت طبقاتی (؟) جریان مبارزات فدا میریالیستی مردم را در بنیه راه متوقف نمود...". "در یکطرف بوده های قرار داشتند که خود را آزاد شده احساس میکردند. از طرف دیگر عوامل مزدور (ا) و سربرده رژیم سابق...". "سیاسه با تحریف و مبهم کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب چنین میگوید: "خلق کرد در مورد ضد انقلاب در منطقه میگوید: ضد انقلاب عبارتست از خانها و فئودالها و بقایای مزدوران رژیم سابق (بالعزبان و سالار خا و غیره) و سایر مرتجعین محلی. کسانیکه با خواستهای حق طلبانه خلق کرد به مخالفت برخاسته و در راه..."

گویی خلق کرد با آنه و ناله و با استراحت دولت شوونیست و ضد انقلابی را خطاب قرار داده که: "استنباه نگیرید آقا بان انقلابی! ما ضد انقلاب نیستیم، ضد انقلاب خانها و عوامل رژیم سابق هستند". گویی برای بورژوازی حاکم که راه خیانت و متوقف کردن دامنه انقلاب را در پیش گرفته است، ایداجائی در صف ضد انقلاب نیست. ولی طفره رفتن از واقعیات کار راه تناقض گویی میکند. چه در همین بیانیه در جایی دیگر از قول خلق کرد میگوید: "ما خواستار خود مختاری در چهارچوب ایران آزاد و دمکراتیک هستیم و این امر تحقق نخواهد یافت مگر با سرکوب و نابودی تمامی فئودالهای چپا و لگرو مرتجعین محلی و بهیترید قاطعانه مبارزه فدا میر - یالیستی و ضد سرمایه داری وابسته".

"بورژوازی همیشه خواستهای ملی خود را در درجه اول قرار میدهد و آنها را بدون هیچ تمسوطی مطرح میآورد. برای پرولتاریا این خواستها منع منافع مبارزه طبقاتی است از نظر تئوروی نمیپوار ارایش تمسوم کرد که آنها این حداسین ملت است که انقلاب بورژوا - دمکراتیک را برایان خواهد رساند. بنا براین برای آن ملت دیگر. چری که در خود مورد برای پرولتاریا مهم است تا این تکامل بنیه: مردمی باشد." (لنین همه جا، تاکدها از ما...)

(۷) - مبارزه ملی - طبقاتی
در کردستان ونحوه برخورد در فضای
فدائی در توضیح ماهیت آن

"بیانیه س. ج. ف. خ. درباره کردستان" دلیل آکنده بودن آن از بیثباتی و دید ژورنالیستی خرده بورژوازی که تجلیات بارز تفکر و شیوه برخورد خرده بورژوازی را بنمایش میگذارد، سطر به سطر آن را قابل انتقاد میسازد. از پرداختن به جزئیات سعی میکنیم "روح" موجود در بیانیه را که در پس عبارات آن هیئت است بیرون کشیده و عمده ترین جلوه های انحرافی آنرا برشماریم:

۱ - دید ایدالیستی و
اومانستی خرده بورژوازی

کمونیستها هیچگاه آرمان مبارزه برای امر پرولتاریا و زحمتکشان را با ایده های تحریفی و اومانستی دفاع از "محرومان" مظلومان، ستمدیدگان مخدوش نمیکند. حال به بیانیه نگاهی بیفکنیم: "کسی که راه حق و حقیقت را پیش گرفته است، کسی که از مظلومان، از ستمدیدگان، از کارگران و دهقانان دفاع میکند بی تردید مورد طعن و لعن قرار میگیرد... راستگویی و حقیقت جویی و دفاع از حق محرومان بدون شک ما حیان قدرت را بخت می آورد."

۲ - تحریف مفهوم پیشرو
و دید "تمام خلقی"

کمونیستها هیچگاه مفهوم روشنفکر انقلابی طرفدار طبقه کارگر را تا حد "فدایی خلق" و "عباراتی که بنابه "جوهر خود"

توضیح:

بعثت زیاد بودن حجم مطالب و محدودیت ما در اضافه کردن صفحات سلسله مقالات "درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی" را در شماره های آینده پس از خاتمه مقاله "دوشیوه برخورد..." ادامه خواهیم داد.

(۶) - کمونیستها و مسئله ملی

برای کمونیستها مسئله ملی جدا از مبارزه طبقاتی مطرح نیست. بورژوازی ملیت های ستمدیده خواهان در اختیار گرفتن کامل بازار داخلی و استقلال سیاسی و اقتصادی برای به جریان انداختن آزادانه سرمایه و استثمار زحمتکشان است. در حالیکه مبارزه ملیست و لنتاریا و زحمتکشان ملیتهای ستمدیده بخشی از مبارزه طبقاتی آنان علیه نظام استثمار گرانه است. ناسیونالیسم بورژوازی تنها خواهان امتیازاتی برای خود در سبزه نظام کالایی است، تا با دست بازتری به بهره گیری از نیروی کار زحمتکشان بپردازد. این ناسیونالیسم تنگ نظرانه میگوید تا میان پرولتاریای ملیتهای مختلف شکاف انداخته و با نیروی توده ها استقلال سیاسی و اقتصادی را برای خود تامین کند. برای بورژوازی "ملیت" بمعنی بازار ملی است ولی زحمتکشان ملیت های مختلف اشتراک منافع واقعی دارند و مبارزه ملی تا آنجا که به پیشرفت مبارزه طبقاتی و وحدت پرولتاریا کمک کند به سود او است. از اینرو: "ساست پرولتاریا در مورد مسئله ملی (و نیز در مورد سایر مسائل) فقط در جهت معینی از بورژوازی پیشینامی می کند، اما هرگز با ستان انضامی نمیاید. طبقه کارگر فقط منفع طرح ملی (نه بورژوازی نمی تواند آن را باور کامل تا مین نماید. فقط در صورت دموکراسی شدن کامل قابل اجراء است) منفع برابری حقوق و منفع فراهم نمودن بهترین موجبات برای مبارزه طبقاتی از بورژوازی پیشینامی می نماید." (لنین درباره حق ملل در تعیین سرنوشت خویش) "طرح ملی و همبستگی و برادری ملیتها فقط با استقرار جمهوری دموکراتیک خلق و بطور کامل با استقرار سوسیالیسم نامیمن خواهد شد. کمونیستها همیشه بطور مولسی از "حق ملل در تعیین سرنوشت" و اصل اتحاد داوطلبانه، خلقها پیشینامی می کنند. ولی برای کمونیستها مبارزه ملی از امر پیشتر مبارزه طبقاتی پرولتاریا و وحدت زحمتکشان ملیتهای مختلف (در مقابل ناسیونالیسم تنگ نظرانه بورژوازی) جدا نیست و شنا ساسی "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" تنها طریق اصولی تحکیم چنین وحدتی است. ولی اینکه مسئله ملی به نحوی حل خواهد شد، کاملاً بشرایط مشخص تاریخی و امپریالیزم مبارزات پرولتاریا بستگی دارد. مسئله مهم تکامل مبارزه طبقاتی پرولتاریا است.

نظا هرات ضد امپریالیسمی

مغرب‌پرستانند همیشه در لحاظ هر کسندگان سزندند و با دادن شعار "انام ما عمل دارد - فرصت طلب شفا رداره" حیالت و آلت بدست نداشتن را بار دگرستان دادند.
سرسنان یک حبیب استیش آبی رنگ که مربوط به پاداران بود. نزدیک عمارت سعی کردند با آنوب و بلوا و تحریک مردم " که سه فریاد برسد... کتک کاری شده" نظا هرات را برهم برسند. ولی توطئه آنان حتی شد، چه گروههای مردم با این استدلال که نباید درگیری شود، چرا که دگرگری بیفایده است و بیفایده است، با ایداران توجیهی نگردند. نظا هر کسندگان با حفظ مناسبت کامل خود در مقابل اوباشان و فالانژها، دریایان نظا هرات نظمانه، ۸ ماده‌ای خود را تراث کرده و سپس پراکنده شدند.

که سراسر ایران آزاد کرد.
رژیم ایران همچنانکه نمی‌تواند به آزادی سراسر ایران از سلطه و نفوذ امپریالیسم جامعه عمل بیواند، به آزادی خلقهای نحس ستم مضاعف نیز نمی‌تواند تحقق بخشد. آزادی خلقهای نحس و آزادی سراسر زمین مسان ذو روی یک مدالند. که سروری آن ناخروید. عبارت ریحک گردیده است:
"جمهوری دمکراتیک، خلق!"

★ ★ ★
مادریست‌پروری خود را از سرحی مضمون قانون اساسی بدانان می‌برسم. خبر آنکس که می‌تواند خلق ایران را از این سد آیکارا مدخلی را اگر بدامور، که فردا پاره بیساره خواهد کرد.

اکنون مادر آسان رفواندم فاسنون اساسی شاهد های و هویت مادر امپریالیستی رژیم هستیم. که بی تردید علاوه بر آنکه می‌تواند او را از حتم انقلابی نوده‌ها مضمون نگاه دارد، بلکه زمینه‌جسی مناسبی نیز هست برای اینکه با دست خالی به پیشتواز رفواندم برود. او امروز بیش از هر زمان دیگر به‌رای نوده‌ها نیازمند است تا تلخکامی یکسب محتاج بارش در انتخابات نورا های فلیسی را حیران نموده و میزان اعتماد نوده‌ها را به خود مورد سختی قرار دهد. اما از آنجا که نژاد آنها به درجهت نامین خواستهای نوده‌ها و به درجهت نامبودی سرمایه‌داری وابسته‌ها امپریالیسم، بلکه بعضی درجهت پشت‌پازدن به تمام خواستها و آرزمان - های مقدس خلقهای ایران و تثبیت موقعیت امپریالیسم در ایران است. با آرا این سلاتن آنان نیز سرنوشتی چر نکست کامل نخواهد داشت. و آنگاه نوده‌ها با ایران ساختن کامل نظام سرمایه‌داری وابسته‌ها امپریالیسم. جمهوری دمکراتیک خلق را برپا خواهد داشت.

رور جمعه (۵۸/۸/۲۵) به دعوت دانشجویان پیشگام عده، کشتی از هموطنان مبارز انقلابی مادر یک گروه‌های مدامپریالیستی در دانکنده پلی تکمیک شهران کرده‌امند. در این گرد - هاشی درباره امپریالیسم ولروم محوکا مل سلطه آن محبتند. در بیانها شکی کذراتند و در سخنرانی ها، به خیابان امپریالیسم اشاره نمودارنگاری و خیانتکاری موهوسان انقلاب افشا گردید. سپس جمعیت حاضر که تعداد آن به ده‌ها هزار نفر می‌رسد، سوی عمارت آمریکا راه پیمائی کردند. در دانکنده و در طول راه - پیمائی ده‌ها هزار هموطن مبارز انقلابی ما فریاد بریدند: خلق ما می‌رمد، آمریکا می‌لرود - چه قدرت نوده‌ها، توطئه آمریکا، دیگران سردارند - اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد، علیه امپریالیسم - آمریکا و تحالیت و بنام گواهند و...
گروهی فالانژ که تعدادشان به ۸۰ - ۷۰

بقیه از صفحه ۱۹ نگاهیه به ...

متخص میهن مان شناسایی حق خودمختاری واقعی و ریشه‌کن ناخس بقایای مئوداللیسم. از نظر کمونیست‌ها خودمختاری واقعی بصورت زیر عملی می‌شود:
۱- خلقها اداره امور را داری، فرحگی، اقتصاد و سیاسی) سرزمین آنا و اجدادی خود را باید دست بگیرند. این امر سنا تا تکمیل آنها در سازمانهای نوده‌ای اعم از کارگری دنیایی، زنان و معلمین و... و اتحاد مسخیم طغیان خلق در مقابل سرمایه‌داران و زمین - داران و... مئودالها و بران عتاسر امکان پذیر می‌گردد.
۲- زنان مادری خلقها باید ران رسمی آنا در کنگه، رمندها باشد. این امر سحر از طریق آموزش اجباری و تدریس کنگه‌داری و ادبی بران مادری امکان پذیر نیست. بران فارسی که بران مشترک، کلید، خلقها ستنها در کنار زنان مادری تدریس می‌شود.
۳- ریشه‌کن ناخس سیم ملی و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت واقعی سنها و فنی میسر است که سلطه و نفوذ امپریالیسم در کلمه، زمینه‌ها ریشه‌کن گردد. بعضی خلقهای تحت ستم و فنی به آزادی واقعی خواهد رسید

حظ و سازاری سیم سرمایه‌داری وابسته سازش با امپریالیسم و بقایای مئوداللیسم و ممانعت از پیشرفت دامنه انقلاب دمکرا - تک با سرکوب زحمتکشان و خلقها، با اینکه مبارزه با اعلان باهمان حزب؟ حال نگاهیه به بیانیه بیچکنیم: "هسته اصلی این مبارزه، جدا کردن خلق کرد از حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز است."
(ادامه دارد)

۴ - پرده پوشی

مضمون طبقه‌ای حرکت هیئت حاکمه

کمونیستها مفاع طبقه‌ای را تعیین کننده حرکت طبقه‌ای دانسته و هیچگاه با پرده - پوشی مضمون طبقه‌ای حرکت حاکمه سمور طبقه‌ای برولن را و زحمتکشان را زایل نمیکنند. حال نگاهیه به بیانیه بیچکنیم: "آنان که سارگی بقدرت رسیده‌اند (؟) با سنگ نظری، ایچا رطلی، سرتی حوشی، بدام کاری و محاسبات غیر واقعی و خیالی خود جنگی نوم، ناخوایسته و خامان برانداز راد رختی از میهن ما شلهور ساخته‌اند."
"سازمان چریکهای فدایی خلق... نمی - نواید و ساند برای جلب نظر آنان که اشتباه می‌کنند و اشتباهان بقیمت خسون هزاران هم میهن ما تمام مئود... از بار - گوگردن حقایق برای مردم میهن خویش چشم بیونند."

"حوادث بقده، مرسوان و اکسون پاوه در سراسر کردستان سان مدهد که نوده مردم کرد اعتمادی به سیاست‌سروهای حاکم‌دارد و این واقعیتی است که ساند انکاشتن آن (سنا) "ساند انکاشتن واقعات" سه سماع طبقه‌ای!! عامل اصلی نوبل به راه حل نظامی و لنتکرکتی نه کردستان است."

۵ - تزلزل خرده بورژوازی در افشای عملیات خنایستکارانه

کمونیستها در محکوم کردن و ناخس بر حمایتکاری ارجاع صکاه مالکلمات ساری می‌کنند و ارفشای واقعیت سندی تدریس و چه ممکن هراسی بدل راه نمدهند. حال نظری به بیانیه بیچکنیم: "اگر راه حل نظامی و سرکوب شدید خلق کرد و سایر خلقهای می - نوایست چاره (؟!) کار با ندملماً مدتها قبل نتیجه داده بود...". "این واقعیتی است که ساند انکاشتن عامل اصلی نوبل به راه حل نظامی و لنتکرکتی به کرد - ستان است." "چرا لنتکرکتی نظامی به کردستان مخالفیم؟"
اشتباه نکنید! این عبارات، نگاهیه یک ژورنالیست لیبرال و یا "روزنامه مردم" نیست بلکه از آرس ج.ف.ج. است. معمولاً اصطلاح مخالف با راه حل نظامی از طرف لیبرالها بقصد سکوت در برابر "امل مطلب" و سخت‌تر باره "روشن بکار می‌رود."

۶ - تجلی "پیشتاز" اندیشی در بیان علت بروز جنگ و هدف آن

علت واقعی بروز جنگ در کردستان چه بوده است؟ خنایستکاری بورژوازی به انقلاب

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

افترازی های تازه روی بونیست ها

روبروسنیست های توده ای همچنان به راه کوشی و امتراری خود علیه سروهای انقلابی ادامه می دهد. نفع آور نیست که کاشی رهبران و سازمان های مترقی و ندا میرالینستی را واسطه امیرالینسم معرفی میکنند که هر چند که یکی از اعضای سرسازمان ساواکی از آت در می آمد (ما جرای ساواکی بودن مسئول ابالینستی "حزب" توده در امپراتور را همین چند ماه پس در جریان انتخابات مجلس خبرگان" همه ساد داریم.)

"سازمان انقلابی رجمکنان کردستان" را همه رجمکنان و سروهای انقلابی و بویژه رجمکنان کردستان نحوی می نامند و مبارزات دموکراتیک و صدا میرالینستی اسن سازمان م.ل را در تالیهای گذشته (همان سال- هائی که خا رجمکنان روبروسنیست برای شهادی دلاور کومبیت، انگ مساج میرحمند و آتان راه را در راه و روسی "حزب" خود رهمند- شدن با یوزوزاری واسطه برای می خواندند) و بویژه دفاع فیرمانانه، اس سازمان را در جریان اخیر در بوش فدا انقلابی هشت خاکمه کردستان ساد داریم.

بما برای این حزب خاش توده ساد، اس افتراستی هائی فعل خود را در سن بوده ساسا بخصوص خلق کرد رسوا بر می آورد. اما ساسا بخاطر آورم که در روبروسنیست و رجمکنان بوسال امیرالینسم در اسناد جدیدی این گروه مبارزه با گروهی و سروهای راسس کمز - نیمتی را پیش میبرد. سازمان امپراتور عراق، در اسنوی به رژیم های فاشیستی و ضد خلقی، در ستم و ولودان کومبیت ساسا درین کمپها را کرده اند. و در سازمان سرچمن کاری را با انهام و افترا تروغ کرده و اخیراً با سازمان دادن خوش رقصی در ماسل "دادگاه های انقلاب" و دعوت از آن برای سیکرد انقلابسون، سسند. تازه ای به اس سبوه خود داده اند. و مسلماً اگر فردا دستان سسند اس شوه های سولند - گرانه شان را سسرتگترین خواهد داد. و جز این از کسائی که به آلمان طبعه کارگر حاسد، کرده اند انتظاری نیست. ■

در سراسری که نوظه های هیئت حاکمه در سرکوبی خلق کرد و تسلیمات و سوسم آن در ساره اسنکه عوامل فدا انقلاب و اسن سده آمریکا و اسرائیل در کردستان نوظه میکنند. نقش سر آت شده و روبروسنیست های سسرتی به اسن مسئله آتاکه هی مثلاً سسده در کردستان به عوامل اسل آمریکا و اسرائیل بلکه خلق دلاور کردستان که برای حقوق ملی و طبقاتی خود می رزمند، روبروسنیست های خاش حزب توده هنوز به همان تسلیمات کهنه هشت خاکمه ادامه می دهد. اسان که امروز در رجمکنان از هیئت خاکمه و اندامات مصلحتی آن در کردستان گوی سفت را از مرتجع ترس عوامل درون هیئت خاکمه نیز برده اند. همچنان با تحریف مبارزه عادلانه، خلق کرد را دعا میکنند که "فدا انقلاب" در کردستان را عوامل ساوا و امیرالینسم رهبری میکنند و مانع "مذاکرات صلح" اند. آتان در اس تسلیمات فدا انقلابی به خاش رسده اند که در روزی نامه "مردم" میسند: "ما ر دیگر در حوادث خوسار کردستان دیده شد که دست خاسما را، امیرالینسم حسماً و الزاماً نه مانه ساسا و ساواکی انعام تده عمل نمی کند، بلکه میتوان در اسن آنجه جاد افراطی نام گرفته ولی هیچ وجه مترکی، با جبر اسن سسسی طرفداران این رجمکنان را در دوا نفع ساسا می است، سسرون آند. گنمه مسنود که کسی از سازمان خدنگان اصلی و فاع اخیر و حمله به سسرون ارتش، خلال الدس حسمی است. خلال الدس حسمی دفاعی که گفته مسنود و اسن سسده یک سازمان ما شوشنی سسنام "سازمان انقلابی رجمکنان کرد" است. اسن سازمان ما شوشنی زیر سس نام عوام فریبانه به ای مسنعماً با صوبوسنیست ها و آمریکا شها در سسنا است." (۱). توده های آگاه هجگاه فراموش نخواهند کرد که همین ۷ ماه پیشتر اسن حسمی ترهات را در باره سازمان ما عنوان کردند و دیدیم که چگونه ساسا آروشی هر چه نما متر محبوس به عقب نشینی سسند و ادعای خود را مسکوت گذا رند. اما معلوم مسنود که

۱ - مردم، شماره ۸۴، دوسمه ۱۴ آبان ۵۸

توضیحی در باره بیانیه اخیر "کنفرانس وحدت"

اخیراً ساسا به ای سوسم "کنفرانس وحدت" در سرچوردنه "سازمان حرکتی فدا سالی خلق" اسنار ساسا اسنکه خون اسفا، ساسر آن ساسده است. اساره مختصر سس را در اینجا لازم مسنوم.

علت عدم شرکت ما در اس موضع گیری اساساً در رابطه ساد و اسن ساط و دو سسینش کا ملا مسفادی سون که از جکوبکی همکار سها در سسورد آن پس آمد، ما ساسی اسن ساط و سسرفدار کنفرانس که همکار سها جز، ضرور آن سسار سرفده، سسنوان سکا مر خاشی و در موارد منحصر و ساسواقی یک تک اعما، آن امکان سسدر است. آن سسوه مسنومدم.

در سوسیکه رفتی شرکت سسده در کنفرانس اسن اسن همکازی را در جارجوب سس سسرات و مواضع اعلام شده سوهها به سسنا لازم سسرده بلکه با اسن ساطی که ارائه مسفاد سسند، گروهها را مسسهد می مسودند که در اسن ساسر - جوب حسماً به همکازی سس سسرنند. براساس اسن اسن ساط در سوسیکه فرماً اکثر سسنا عطا کنفرانس نظریان بر انجام یک سسنا به عطفی و با اسن ساط اعلامی در جها ر جوب سسرات اعلام شده گروهها ساسد، ولو با مخالفت اقل سسنت (سسر دلنی)، کنفرانس می سسند سسینش اندامی دست سسند.

با سسوه به اسنکه اسن اختلاف نظری از نظری ما سکا مر اصولی سسار رفته و اسفادام عطفی بر اسن اسن را سسنا سسرنند و هوبت کنفرانس از نظری خود مان می دان سسیم. در اسن اسفادام شرکت مسنومدم.

ما سسلا سسین سس سسرد را سسنا آگفا مسکنیم و نظرات سسری و اسفادی خود مان را سسدا و سس از طی جرای سسارزه اندولوزیک دروسنی کنفرانس مطرح خواهیم سسود.

در باره مضمون موضع گیری کنفرانس هم ساسی دل سسل که باروی دادن اس سسنا سسبه سدلایل قوی مخالفت دان سسیم سر خوردن سسای سس کردیم و توضیحی که در اسن باره نوشته سسودیم سسنا سسبه سدلایل تکنیکی سسست رفقای کنفرانس سسیده است.

را در اینکار ریاری رسا سسید. پیشهاد - آتی که ما در اسن موزدها سسیم:

- ۱ - از هر طریق که میتوان سسید امکانات چایی و تکثیر خود را با ما در میان بگذارید تا ما رهمسودهای لازم جدا گسسر استفاده از اسن امکانات سسعمل آید.
- ۲ - سسها و سسلولهای اسن ساسا را تی ایحا دکنید و از اسن طریق چه سسکار سسوه اعلامیه ها و تراکت های ساسر زمان را تکثیر سسید.

سسروز ساسید

درخواست از هواداران

بر دل از همه را نداشته ما سسود پروا حسمت که اسن اشکال به ما سس تبلیغ و ترو سسب ما در سطح گسسرتده توده ای لطمات جدی مسزند. اما مسلماً اسن کار راه حلها - شی دارد که در اسن آنها کمک و سساری رفقای هوادار قرار دارد. رفقا! ما بدون کمک و سساری شما نمیتوانیم تیراز سسکار را با اسسبریم سسنا بر اسن از هر طریق که میتوان سسید ما

رفقا! هواداران! ما در اسن سسار سسکار، از نقطه نظری با اسسردن تیراز آن با اشکالات جدی مواجه سسیم، همین امر باعث سسده که ما نمیتوانیم سسکار را با سسداره مورد سسنا سسکثیر کرده و در اختیار کلیه رفقا و سسواندگان بگذاریم. سسهمین سسعلت از آغا زتها جم گسسرتده و ضد دمکرا - سسک هیئت حاکمه، یعنی از سسریور ماه تا کنون سسکار سسطور مرتب سسست رفقای هوادار و دیگر سسواندگان سسرسیده است و غالباً رفقا مسبورند که آنرا دست سسست بگردانند و مسلماً سسین وضعی باعث گردیده که سسکار

خلق‌ها در سوگ زلزله خراسان



حکمرانست نمیتوان بهر ما، و آسایش دست یافت. اندیشه سوسالیم، رهایی از چنگال حاکمیت بر ما بهای امیرالایستی و وابسته روز بروز بیشتر در نزد چنگال محبوسیت پیدا میکند. در چنین شرایطی است که امروز بیش از هر زمان دیگر، موندن جنبش کمونیستی و توده‌های زحمتکش ضرورت پیدا میکند.

رفقا! هواداران!

۱ - برای کمک کوتاه مدت و زیربنایی به هم‌میهنان زحمتکش ما در خراسان، اکیپ‌های امدادی در مناطق مختلف بوجود آورید.

۲ - با ایجاد صندوق‌های کمک در کارخانجات، مجلات، دانشگاهها، مدارس و... اقدام به جمع‌آوری کمکهای نقدی، وحشی و کرده‌وآنها را در اختیار اکیپ‌های امداد قرار دهید.

۳ - با پیوند یافتن با روستایان زلزله‌زده، آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیک را به میان آنها برید. در میان آنها تبلیغ کنید که چشم‌انداز آینده "کمک" های گروههای انحصاری طلب حاکم‌کدها کمتر میتواندنداری مسکنی برای یکی از دردهای بیشمار زحمتکشان باشد. نیندند، برای روستایان با زمان ناهم‌توجه دیدگاه پیر سیل و زلزله، نه یک "تلاش ازلی" بلکه محصول روابط ظالمانه انحصاری است که جز از طریق نابودی سرمایه‌داری وابسته و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق آریین نخواهد رفت. حاکمیت مبارزه انقلابی خلق کردار در میان روستایان تبلیغ کنید و آنان را در جریان مبارزه طبقاتی و صدامیربالیستی زحمتکشان و خلقهای ایران قرار دهید. در کنار کمکهای خودبه روستایان چه از طریق تماس نزدیک و چه از طریق تراکت و اعلامیه‌ها آنها توضیح دهید که چرا هیئت حاکمه نالان میکند مانع از کمک مستقیم ما زمانها و تکرورهای انقلابی و مترقی به آنان گردد.

۴ - اخبار و تجربیات و مشاورات خود را، بوسه عملگردهای بظا هر خبرخواهانها و کودتا پرور-انه گروههای انحصاری طلب حاکم را بر سرای ما زمان ما ارسال کنید تا در نشریه پیکار منتشر سازیم. ■

را اردست داد و آوارها و شیرها و روستاها شوند، چیز عجیبی نمی توانند.

همزمان با وقوع زلزله در جنوب خراسان و اطراف فاپش در اراک نیز زلزله هم‌میهنان ما که خود در شرایط کم و بیش مشابهی با روستایان، شمدیده، این دیار زندگی می کنند، به کمک آنان می سازند و از آوارها خبر خودبخشی را در اختیار سایر کسب زلزله زده های مناطق می گذارند. گروههای انحصاری طلب روحانی نیز اکنون فرصتی یافته اند تا در پی راه این کمکها محسوس و وحاشی برای خود دست آورده و چنین وانمود کنند که فقط به برکت کمکهای آنهاست که روستایان مسکین زده و آوار می توانند زندگی کنند و بحایات بر سر زمین خود ادا بدهند. آنان برای اینکه تمام کمکهای و تلافیهای زحمتکشان و شیروها را زمانها میترقی و انقلابی را در کمک ندهند، مسکین مسکین زده خود را خود نام خود نام کنند و بگویند که این شیروها با روستایان تماس نگرفتند شیوه آرا مهربی اعلام میکنند که لرومی ندارد افراد و گروهها به این روستاها بیرون بفرستند آنها را و ادا روستا زنده که کمکهای خود را حساب بانکی انحصاری آنان بریزند. کاری را که رژیم حاکم پس از فاجعه زلزله زده به طس انجام داده و توسط کمیته مانع از کمک رسانی و تماس با توده های زحمتکش گردیده است، در اینجا تکرار میکند. و این نشانه خط و سیاه واحد اوست. ولی زحمتکشان این مناطق بدرستی میدانند که با انجام فرمهای حسن سطحی نمی توان مسائل در دستکشان را حل نمود و اینان نمی توانند راه حل اصولی در از مدت برای مسائل زحمتکشان مناطق زلزله زده را قیبل مسکن، آب و سبزی و بهداشت و... دانستند با شند. رژیم حاکم پس از ۹ ماه حاکمیت تاکنون نشان داده است که نه میخواهد هزینه بینوا نند با سخی به خواسته های توده های شمدیده میهن ما بدهد. بلکه برعکس در همه جا در کنار زمین داران و سرمایه داران به سرکوب اعتراضات بحق زحمتکشان حتی در جزئی ترین خواسته های صغی پرداخته است.

زلزله هشتده پیش در خراسان در شرایطی اتفاق می افتاد که هر روز خلقهای میهن ما بیشتر به این واقعیت آگاه میشوند که تنها هنگامیکه سرمایه داری وابسته در کشور ما

زلزله ای که با مژده روز چهارشنبه ۲۳ آبان جنوب خراسان را لرزاند و مدها را از هموطنان ما را با یکم خود کسند کارند کسیر و انصیب درد ساک زندگی زحمتکشان ما بوسه روستایان را بر سر روی خلقهای ایران قرار داد. کشته شدن جمع کثیری از هموطنان ما هر چندگاه بر اثر زلزله نه یک "تلاش آسانی" و با "تلاش نده" بلکه دقیقاً یک واقعیت اجتماعی است که با پیسی علل و عوامل آن را در درون روابط حاکم سرمایه مستحو کرد، چرا که نظیر چنین وقایعی در سایر ایار کشور های جهان اتفاق می افتد و کمتر آسانی سار می آورد. در حالیکه یک لری حقیقت زمین در کشورهای غنی مانند ای نظیر کشور ما کاسی است که مدها و هزاران نفر از زحمتکشان را به نابودی بکشاند. زندگی کردن میلیونها زحمتکشان روستایی در خانه های که از خست و گل ساخته شده، نبودن کمترین امکانات رفاهی و درمانی و غیره در روستاها، انکاء روستایان به در آمدنا چیزی که از تولید کسب ورزی و سبافروش آرا ن قیمت نیروی کار همه و همه واقعیتی است که زندگی کسیر را بدهدترین بخش زحمتکشان کشور ما را ترسیم میکند. اینها همه و همه محصول حاکمیت سرمایه داری وابسته و استثمار ریسر حاکمه دسترنج و نیروی کار زحمتکشان است! مثنی سرمایه داران روز میس دار سر رک و امیربالیستیهای حیا نخوا در کشور ما می مانند. در چهار وجوب افتخاد که در آن مالکیت خصوصی مجاز نموده میشود و توده های کثیر خلق در سراسر زندگی منتظر با خود با کار زحمت خویش محتزل کارشان را به حیب عده ای مانت خور و غارتگر بریزند و خود در عقب مانده ترین و در دستک ترین شرایط زندگی کنند، اتفاق افتاد چنینی وقایعی، که در آن، ناگهان در عرض چندنا سیه مدها و هزاران نفر زندگی و با هستی نا چیز خود

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

جرم کمونیست‌ها حقیقت گوئی و عاقبت بینی آنهاست

آری "حزم" کمونیست‌ها این است که بی‌ا
تحلیل علمی خود از تحولات جامعه، حقیقت و
عاقبت فقرا یا رومی بی‌تنبه بوده‌ها. آنگاه
بی‌دیده، سرمایه‌داران و نیروهای مرتجع
این "جرم" را با ردیلاسه ترس نهمتها با س
مدهند و نوده‌های ساکاه را علیه کمونیست‌ها
بسج می‌کنند و به خفه کردن صدا و کشتار، آنان
را تهدید می‌نمایند. اما واقعات از هر قدرتی
سرورمندتر است و روز بروز بیشتر صحت نظر کمو
نیست‌ها را - حتی از زبان مخالفین خود، از
زبان قدرت حاکم، درک می‌کنند. به ایسر
"میت نمونه خروار" توجه کنید:

در بیکار ۲۶ مورخه ۳۰ مهر تحت عنوان:
امام خمینی به محمد میرلانی نامین داد.
"حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای (که از
اعضای رهبری حزب جمهوری اسلامی و عضو
شورای انقلاب هم هیت) در مصافحت خود به
بلوچستان بجای تماس با مردم بلوچ با عوام
ارتجاع محلی یعنی خاشا و سردارها و مولوی -
های سرسپرده رژیم فقلی تماس میگیرد و از
سناج بربرایان مصافحت بود که دولت به
اصلاح انقلابی! مضمم بدحوصل سلحه به
خواستن برای حفظ امنیت مناطق زیر نفوذتان
گرفت و در این رابطه بود که بدخواستن سرسپرده
میظفما از جمله کریم بخش سعیدی و... به
هر کدام ۶۰ تا ۱۰۰ فسخه سلحه از طرف سرگرد
مصافی فرمانده هنگ ژاندارمری ایران شهر
تحويل میشود ...
چالاه روزنامه اطلاعات ۱۹ آبان توجه
کنید :

دادستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان:

توزیع اسلحه بین خوانین اشتباه بود

توزیع اسلحه بین خوانین

دادستان انقلاب اسلامی
سیستان و بلوچستان از
توزیع اسلحه بین خوانین
زیر پوشش حفظ امنیت
منطقه انتقاد کرد و گفت:
پس از پیروزی انقلاب که
این سلاح‌ها دست آنهاست،
نه تنها امنیت منطقه حفظ
نکردند، بلکه گرا با همین
سلاح‌ها علیه انقلاب نیز
توطئه کردند.

بنی نجاریان با اشاره به
حوادث پاسگاه‌های بیبی‌بو
واسپکه، گفت: در ابتدای
مسئولیت خود در این استان،
موضوع جمع‌آوری سلاح
را با فرمانده ژاندارمری
در میان گذاشتم و گفتم که
اینکار اشتباه بوده و باید
سلاح‌ها پس گرفته شود،
ولی متأسفانه تاکنون بطور
قاطع اینکار صورت نگرفته
و باز گتیا از ژاندارمری
خواستیم که اسلحه‌ها
جمع‌آوری شوند و اخیراً
اقداماتی شده و تعدادی از
خوانین دست دوم و سوم
اسلحه‌ها را مسترد داشته‌اند
اما هنوز بیش از نیمی از
سلاح‌های توزیع‌شده مسترد
نشده است.

آیا این فقط یک "اشتباه" است؟

کدام را باور کنیم: دم خروس یا...؟!!

۹ ماه از سقوط سلطنت منگدر و نوده‌ها مدام حواس را اندام عملی وحی علیه امیرالاسم
آمریکا بوده و هستند.
۹ ماه است کمونیست‌ها و نیروهای مترقی و صدا میرالاسم فریاد می‌زنند: دشمن اصلی حلقهای
ما، آمریکا است و "مصرانه میخواهد که فرار دادهای ما را سرانجام می، اقتصاد و سیاسی ایران
و آمریکا لغو شود.
۹ ماه است که کمونیست‌ها و نیروهای مترقی و صدا میرالاسم حواس را آسند که برار جاسوسی-
های آمریکا، اسرائیل و ساوا کما استا شود.
۹ ماه است که کارگران مبارز میهن ما فریاد می‌زنند "علت بیکاری ما سرمایه‌داری و استهانت"
....
.....

اما میوه چنان انقلاب تمام تلاش خود، تمام حمله‌ها و عوا مفریبهای خود را بکار گرفته‌اند
مبارزه را از امیرالاسم آمریکا منحرف کرده متوجه کمونیست‌ها و نیروهای مترقی سازند و در این
راه از وصفا به ترسین سهمتها هم خودداری نکردند:
ه خاسوس خانه آمریکا را فردای بعد از تمام در کف حمایت خویش گرفتند و فرستاد ماه آراز بر
نظر "گمشته سفارت آمریکا" که صورهم معلوم نیست باع چه مقای می بوده فرار دادند و پیرونده
های ناسوسی را طی ۶ ماه به خاها "اس" منتقل کردند.
ه فرار دادهای نظامی و حتی کاسنولاسون را ماهها دست نخورده بگذاشتند و سرانجام تحت
فشار نوده‌ها مجبور به لغو آنها شدند.
ه آنقدر در خدمت به آمریکا و در سرکوب نیروهای صدا آمریکا بی‌اصرار و زور زدند که آمریکا با حال
راحت موافقت خود را برای تحویل ۲/۵ میلیون دلار اسلحه به آنان اعلام کرد و بدون توجه به خصم
شدند نوده‌های فخران ایران، شاه خاشاک را به آمریکا برد.
اسن سانسطای ۹ ماه سوسله رژیم "ولایت فقه" عملی نوده و کتر سزای مسئول مستقیم اسن
خاشاها، اکنون اعلام می‌دارد که:

"به خدمت امام که رسیدم اسن با کد کردید که من حتماً مسئولی داشته‌ام و وراثت امور
خارج که به عنوان وزیر، چند ماهی در آنجا خدمت کردم مورد تشنه اسن هست امام خمینی
در اسن ملاقات تا کد کردید که معالینها و اعدا مات و موضعگیریهان سیاسی - دستلغاسی من به
عنوان وزیر امور خارجه مورد تشنه بوده و مساندو هرگونه فضای غیراراسی را بشد
سعی فرمائید." (روزنامه اعتماد ۲۶ آبان)

حالا نوده‌های مستعیده ما واقعات و مشاهدات غیرقابل انکار خود را با ورکشده عفت -
ششینی آقا بان را بحساب صدا میرالاسم واقعی بودنشان بگذارند؟ تکی نیست که نوده‌ها آنقدر
سرخواستهای امولی و حدشه‌ای پذیر خود در مبارزه سی امان علیه امیرالاسم آمریکا
با فشاری خواهند کرد تا سبه روی شود هر که در او غش باشد!

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و نوده‌های آگاه خلق رفتارندم کذائی را تحریم می‌کنیم!

از آنجا که هیئت حاکمه وعده و وعید خود را در مورد
تشکیل مجلس موسسان زیر پا گذاشت و بجای آن مجلس
"خبرگان" را با آن وضع درست کرد تا مانع از شرکت نیرو-
های انقلابی در این مجلس گردد،
از آنجا که این مجلس با تصویب اصل "ولایت فقیه"
حاکمیت خلق را بر سر نوشت خویش زیر پا گذاشته است،
از آنجا که این مجلس، سرمایه‌داری را بر رسمیت
شناخته است،
از آنجا که این مجلس آزادیهای دموکراتیک را
تحت لبوای مذهب (شیعه) پایمال کرده است،
از آنجا که این مجلس حقوق مسلم زحمتکشان را زیر
پا گذاشته است،
ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و نوده‌های
آگاه خلق رفتارندم کذائی را تحریم می‌کنیم.

در رفتارندم قانون اساسی، نه مثبت! نه منفی! تحریم انقلابی!